الگوی طراحی روایت‌های فرهنگی جهت ارتقاء مشارکت مردمی در حفاظت از میراث ناملموس، مورد پژوهی: حریم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز

حسین اسمعیلی سنگری[1*]، راحله پروین[2]

۱. استادیار، پژوهشکده ابنیه و بافت تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران، ایران

h.esmaeeli@richt.ir*

۲. گروه معماری ، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

تعداد صفحات: ۱۶

شناسه دیجیتال(doi): https://10.66224/kcr.8.3.78

فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حفاظت و مرمت

شاپای الکترونیکی: ۶۲۱۷-۳۰۶۰

شاپای چاپی: ۶۰۹۳-۲۵۳۸

این نشریه از قوانین Cope پیروی می کند. دسترسی به این مقاله برای همگان آزاد است. هرگونه استفاده غیرتجاری از آن در صورت ارجاع مناسب، مجاز شناخته می شود.

چکیده

حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس در فضاهای تاریخی مستلزم درک چندلایه‌ای از فرهنگ، رفتار و معنا و همچنین مشارکت فعال مردم است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر طراحی روایت‌های فرهنگی بر ارتقاء مشارکت مردمی به منظور حفاظت از میراث ناملموس در محدوده حریم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز (کوچه‌پاساژ) انجام شد. بدین سان، در راستای پاسخ به پرسش اصلی: «تأثیر طراحی روایت‌های فرهنگی بر ارتقاء مشارکت مردمی در حفاظت از میراث ناملموس به چه میزان است؟»، روش تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) به‌کار گرفته شد. به‌طوریکه در بخش کیفی، با استفاده از رویکرد خودمردم‌نگاری، مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان و کسبه، داده‌هایی در ارتباط با تجارب زیسته، تعلق مکانی و ارزش‌های فرهنگی جمع‌آوری و با تحلیل مضمون ۲۸ گویه اصلی استخراج شد. در بخش کمی، پرسشنامه‌ای براساس گویه‌های کیفی طراحی و میان ۵۰ نفر از کاربران و ۱۶ نفر از متخصصان توزیع شد. تحلیل داده‌ها با آزمون‌های تحلیل عاملی اکتشافی، ضریب پایایی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که میان مؤلفه‌های فرهنگی (ملموس، رفتاری و معنوی) و حس تعلق به مکان رابطه‌ای معنادار وجود دارد. چنانکه با الگوی روایت‌های فرهنگی طراحی‌شده و با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره TOPSIS ارزیابی و رتبه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد فرآیند طراحی روایت فرهنگی برمبنای تجربه زیسته کنشگران به‌عنوان ابزاری عملیاتی در انتقال ارزش‌های میراث ناملموس، تقویت حس تعلق به مکان و ارتقاء مشارکت فعال مردم در حفاظت از فضاهای تاریخی عمل خواهد نمود.

کلیدواژه‌ها: میراث فرهنگی ناملموس، بازار تاریخی تبریز، روایت فرهنگی، مشارکت مردمی.

۱. مقدمه

میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هویت و ارزش‌های اجتماعی، در طول تاریخ در اماکن و فضاهای متنوع جوامع انسانی معانی و مفاهیم ویژه‌ای را در خود جای داده است؛ به‌گونه‌ای که حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده همواره از دغدغه‌های بنیادی جوامع فرهنگی به‌شمار می‌آید (Leschko & Kortabarria, 2022). با این وجود، در روند جهانی‌شدن، این میراث با تهدیدات فزاینده‌ای مواجه می‌باشد. در این راستا پس از تحولات ناشی از انقلاب فرانسه و تأسیس نهادهایی نظیر یونسکو و شورای بین‌المللی ابنیه و محوطه‌ها، مفهوم مدرن میراث فرهنگی با تأکید بر حفاظت از ابنیه تاریخی و آثار هنری گسترش یافت (Rey-Pérez, 2023). بدین ترتیب، میراث فرهنگی در دو حوزه‌ی میراث طبیعی و میراث فرهنگی سامان یافت که هر یک ابعاد ملموس و ناملموس ویژه‌ای را در فرآیندهای حفاظت دربرمی‌گیرد (Li, 2023). در دهه‌های اخیر، نهادهای بین‌المللی بیشتر بر حفظ ابنیه تاریخی و آثار مادی تمرکز

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

نموده‌اند، لیکن جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی میراث کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Duan, Lan & Jiang, 2022). در حالی که حفاظت از میراث فرهنگی مستلزم توجه به ابعاد اجتماعی و مشارکت فعال جوامع محلی است و عدم توجه به این جنبه‌ها تأثیرات منفی بر پایداری میراث فرهنگی و حفظ هویت محلی خواهد داشت (Pinheiro & Almeida, 2023). در این راستا، رویکرد خودمردم‌نگاری به‌عنوان ابزاری مؤثر برای جلب مشارکت اجتماعی و ارتقاء حفاظت از میراث ناملموس مطرح گردید (Alivizatou, 2022). این رویکرد با تمرکز بر تجارب و فرهنگ‌های محلی، امکان تحلیل عمیق‌تر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرده و می‌تواند در کاهش نابرابری‌های فرهنگی و اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی نقش داشته باشد (Nebot-Gomez de Salazar et al., 2023). با توجه به نقش حفاظتی حرایم فضاهای تاریخی در نمود اهمیت میراث ناملموس و غنای فرهنگی آن، حریم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز به‌عنوان مورد پژوهی انتخاب شد. این مجموعه علاوه بر قدمتی بیش از هزار سال، با تنوع عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقش بسزایی در حفظ هویت محلی و انتقال دانش فرهنگی به نسل‌های آینده ایفا می‌کند. اهمیت انتخاب مورد پژوهی نسبت به دیگر میراث شهری تبریز در دو جنبه مشخص است: اول، تمرکز آن بر میراث ناملموس (ارزش‌ها، باورها، آیین‌ها، تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های روزمره‌ای است که تجربه زندگی مردم را در فضای تاریخی شکل می‌دهد و انتقال دانش فرهنگی و هویت اجتماعی را ممکن می‌سازد. جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی میراث بازار تبریز شامل روابط اقتصادی و اجتماعی میان کسبه و کاربران، مناسک جمعی، آیین‌های سنتی، خاطرات محلی و نحوه استفاده و تجربه مردم از فضا است). در بستر تاریخی که در سایر فضاهای شهر کمتر مشاهده می‌شود؛ دوم، وجود ظرفیت‌های مشارکتی و امکان پیاده‌سازی طراحی روایت‌های فرهنگی با رویکرد خودمردم‌نگاری که امکان ارزیابی اثر آن بر ارتقاء مشارکت مردمی و حفاظت از میراث را فراهم می‌آورد.

بدین‌سان پژوهش حاضر، با هدف پاسخ به پرسش اصلی "تأثیر طراحی روایات فرهنگی بر ارتقاء مشارکت مردمی به منظور حفاظت از میراث ناملموس به چه میزان است؟"، و بهره‌مندی از روش‌های تحقیق کیفی و کمی (آمیخته)، به بررسی ارتباط میان فرهنگ و فضاهای عمومی در محدوده کوچه پاساژمی می‌پردازد. در این راستا، ابزارهای متعدد تحقیقاتی نظیر مشاهدات میدانی، پرسشنامه‌های ارزیابی با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت و تحلیل‌های کمی و کیفی را به کار گرفته شد. علاوه بر دریافت نظر ۱۶ نفر از متخصصان و نخبگان و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، ۵۰ نفر از ساکنان منطقه نیز با استفاده از پرسشنامه کمی و مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS تحلیل گردیدند. مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۸ نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار می‌باشد.

به‌منظور تحلیل داده‌ها و درک عمیق‌تر تعاملات انسانی در زمینه حفاظت از میراث ناملموس و همچنین درک بومی‌تر تعاملات میان فضا، فرهنگ و تأثیر آن بر حفاظت از میراث ناملموس، از رویکرد خودمردم‌نگاری در بخش کیفی تحقیق بهره گرفته شد. همچنین، در بخش کمی، تحلیل‌های آماری و آزمون رگرسیون خطی چندگانه برای مدل‌سازی روابط پیچیده میان متغیرها و پیش‌بینی نتایج براساس داده‌های جمع‌آوری‌شده است فاده شده‌است. از ضریب پیرسون در بررسی میزان همبستگی میان متغیرها و تعیین شدت و نوع روابط استفاده گردید. همچنین در جهت ارزیابی و بهینه‌سازی رویکردهای طراحی شده برای حفاظت از میراث ناملموس، روش تحلیل TOPSIS به‌عنوان روش اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری در شناسایی و رتبه‌بندی گزینه‌های مختلف براساس معیارهای فنی و اجتماعی به‌کار گرفته شد. علاوه‌براین، مدل‌های مهندسی کانسی در راستای ایجاد الگوی طراحی ساختارهای روایی از حیث انعطاف‌پذیری بیشتر در تفسیر و انتقال فرهنگ محلی به‌کار رفته‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات بین‌المللی اخیر نشان داده‌اند که روایت‌های مشارکتی نقش محوری در حفاظت از میراث ناملموس دارند. به‌طور خاص، پژوهشگران در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که مشارکت محلی در خلق روایت‌ها می‌تواند باعث «دموکراتیک‌تر شدن» مدیریت میراث شود و صدای جوامع محلی را منعکس نماید (Zhu & Liu, 2025). همچنین، پژوهش دیگر مدل H-MCDM را معرفی کرده‌اند که با استفاده از AHP و TOPSIS، اولویت‌بندی استراتژی‌های احیای میراث را با توجه به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ممکن می‌سازد (Maselli, 2024). به همین ترتیب، چارچوب تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ای برای ارزیابی گردشگری میراث پایدار ارائه کرده‌اند که هم‌زمان از میراث و توسعه گردشگری حفاظت می‌کند (Salehipour et al, 2025). چنانکه پژوهش‌های مختلف در ایران نشان داده‌اند، روش خودمردم‌نگاری امکان تحلیل تجربه زیسته پژوهشگر و ادغام آن با داده‌های جامعه محلی را فراهم می‌آورد و به فهم دقیق‌تر تعاملات انسانی با میراث ناملموس کمک می‌کند. این روش در جهت پایداری سرمایه اجتماعی در بازار تاریخی تبریز به‌کار گرفته شد و ترکیب تجربه پژوهشگر با تحلیل‌های جامعه‌محور، درک دقیق‌تری از پیوند میان فضا و فرهنگ ارائه گردید (پروین و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، جلیلوند کاربرد خودمردم‌نگاری در گردشگری فرهنگی و میراث ناملموس را در بستر ایران واکاوی کرده و بر نقش آن در ارتقای مشارکت محلی و انتقال ارزش‌های فرهنگی تأکید نموده است (جلیلوند، ۱۴۰۲). با این حال، ترکیب تحلیل چندمعیاره با خودمردم‌نگاری و طراحی روایت مشارکتی هنوز در ایران به‌طور گسترده انجام نشده‌است. مطالعات پیشین نشان می‌دهند که بازار تاریخی تبریز به‌عنوان یکی از غنی‌ترین بازارهای ایران با قدمتی کهن، دارای ارزش‌های معماری، اجتماعی و فرهنگی منحصر به فرد است (اسمعیلی‌سنگری و پروین، ۱۴۰۳) که عمدتاً بر سازه‌ها و مرمت ابنیه تمرکز داشته‌اند و تحلیل روایت‌های مشارکتی و نقش آن‌ها در صیانت از میراث ناملموس حریم بازار به‌صورت سیستماتیک انجام نشده‌است . بر این اساس، می‌توان اذعان داشت که مطالعات بین‌المللی و ایرانی نشان داده‌اند روایت مشارکتی و طراحی روایت نقش اساسی در حفاظت میراث دارند. با این وجود، خودمردم‌نگاری با آنکه به فهم تعاملات انسانی با میراث یاری می‌رساند، لیکن در ترکیب با تحلیل چندمعیاره و طراحی روایت مشارکتی به طور کامل مدون نشده‌است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، آمیخته (کمی-کیفی) می‌باشد. از روش‌های کیفی در راستای کشف معانی نهان در رفتارها و ادراکات فرهنگی مردم و از روش‌های کمی برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و سنجش اعتبار نتایج بهره گرفته شده‌است.

۴. روش کیفی تحقیق

در بخش کیفی، از روش خودمردم‌نگاری (Anderson, Goodall & Trahar, 2020) استفاده شد. در این رویکرد، تجربه زیسته پژوهشگر به‌عنوان منبع اصلی داده‌ها عمل کرده و امکان تحلیل عمیق تعاملات اجتماعی و فرهنگی در محیط مورد مطالعه را فراهم می‌آورد. حضور پژوهشگر در فضا، مشاهده مستقیم رفتارها و تعاملات، و ثبت دقیق آیین‌ها

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

و مناسک، زیست‌جهان کاربران را به طور ملموس منعکس می‌کند.

۵. مراحل انجام بخش کیفی

الف- مشاهدات میدانی: به مدت سه ماه (آبان تا اسفند ۱۴۰۲)، پژوهشگر در بازه‌های زمانی مختلف در فضاهای کوچه‌پاساژ نزدیک چهارراه خیابان شریعتی حضور یافت و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی کاربران را مستند و یادداشت‌برداری نمود.

ب- گفتگوهای عمیق: بیش از ۳۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و غیررسمی با ساکنان، کسبه و کاربران فضا انجام شد که اطلاعات مرتبط با خاطرات محلی، معنای فضا و نگرش‌های حفاظتی آن ها را آشکار ساخت.

ج- ثبت رویدادها و مناسک: آیین‌ها، رفتارهای جمعی، تعاملات روزمره و نمادهای فرهنگی در بستر فضا مشاهده و ثبت گردید.

۶. تحلیل داده‌های کیفی

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد:

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها از طریق مطالعه مکرر یادداشت‌های میدانی و مصاحبه‌ها.

مرحله دوم: کدگذاری باز داده‌ها و استخراج مضامین اولیه.

مرحله سوم: شناسایی مضامین اصلی مرتبط با حفاظت از میراث ناملموس.

مرحله چهارم: تعریف و نام‌گذاری مضامین نهایی.

مرحله پنجم: ترکیب یافته‌ها در قالب الگوهای روایی.

۷. دستاوردهای بخش کیفی

از مجموع ۳۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی، ۳۵ گویه اولیه استخراج شد. این گویه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006) و مراحل زیر پالایش و به ۲۸ گویه نهایی برای تدوین پرسشنامه تبدیل شدند:

۷. ۱. آشنایی با داده‌ها:

تمامی یادداشت‌های میدانی، مصاحبه‌ها و ثبت رویدادها و آیین‌ها بارها خوانده شد تا پژوهشگر با عمق تجربه زیسته محیط و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی مردم آشنا شود. چنانکه مشمول رفتارهایی مانند برگزاری جشنواره‌های سنتی، مراسم سوگواری محلی، بازارچه‌های هفتگی، تعاملات روزمره کسبه و کاربران فضا، و فعالیت‌های جمعی و آیینی بود.

۷. ۲. کدگذاری باز:

جملات و مشاهدات به واحدهای معنایی کوچک تقسیم و برچسب‌گذاری شدند. به‌عنوان نمونه، پاسخ یکی از کسبه در ارتباط با «حس تعلق به بازار» به گویه‌ای تحت عنوان «دلبستگی فضایی» کدگذاری شد. همچنین، خاطرات فردی و داستان‌های محلی نظیر «پدربزرگم هر روز از این کوچه رد می‌شد و داستان‌های محله را تعریف می‌کرد» به گویه «خاطره یا داستان خاص از فضا دارید؟» مبدل گردید.

۷. ۳. شناسایی مضامین اولیه:

کدهای مشابه در گروه‌های مفهومی طبقه‌بندی شدند. برای نمونه، «خاطرات فردی از بازار»، «داستان‌های محلی» و «بازآفرینی هویت» در یک مضمون اولیه به نام «روایت فرهنگی» قرار گرفتند. همچنین، مشاهدات رفتاری شامل تعاملات اجتماعی و آیین‌ها، در مضمون «رفتارهای فرهنگی و اجتماعی» طبقه‌بندی شد.

۷. ۴. تعیین مولفه‌ها:

مضامین اولیه براساس ماهیت فیزیکی، معنوی و رفتاری محیط به سه مولفه اصلی پژوهش اختصاص یافتند:

- فرهنگ ملموس: ویژگی‌های فیزیکی، مصالح بومی، نشانه‌های تاریخی و ساختار کالبدی فضاها؛ مرتبط با حفظ هویت فضایی و عناصر معماری تاریخی.
- فرهنگ معنوی: خاطرات جمعی، داستان‌ها، روایت‌ها و آیین‌هایی که هویت فرهنگی و حس تعلق مکانی را منتقل می‌کنند؛ شامل نمونه‌های ثبت‌شده از روایت‌های ساکنان و تجربه زیسته مردم.
- فرهنگ رفتاری: رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم، تعاملات روزمره، آیین‌ها و مناسک، شبکه‌های ارتباطی و فعالیت‌های جمعی؛ مراسم محلی، بازارچه‌های هفتگی، جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی که موجب پایداری اجتماعی و فرهنگی می‌شوند.

تصمیم‌گیری جهت قرار دادن گویه‌ها در یک یا دو مولفه براساس ماهیت پاسخ‌ها و ارتباط آن ها با بعد فیزیکی، معنوی یا رفتاری محیط انجام شد.

۷. ۵. ترکیب یافته‌ها در قالب گویه‌ها:

تمامی گویه‌های نهایی پس از پالایش و طبقه‌بندی در سه مولفه اصلی مرتبط با میراث ناملموس (فرهنگ ملموس، فرهنگ معنوی و فرهنگ رفتاری) قرار گرفتند؛ به‌طوری که گویه‌های مرتبط با ویژگی‌های فیزیکی، مصالح بومی و نشانه‌های تاریخی در مولفه «فرهنگ ملموس»، گویه‌های مرتبط با خاطرات فردی و روایت‌های محلی در مولفه «فرهنگ معنوی» و گویه‌های مرتبط با آیین‌ها، رفتارهای اجتماعی و مناسک در مولفه «فرهنگ رفتاری» دسته‌بندی شده‌اند. همچنین تمامی رفتارها، آیین‌ها و رویدادهای فرهنگی با یادداشت‌های میدانی، تصاویر مفهومی ثبت شدند تا شواهد بصری و ملموس برای گویه‌ها موجود باشد و قابلیت ارزیابی و صحت‌سنجی داشته باشد (جدول ۱).

جدول ۱. تطبیق سوالات مصاحبه، گویه های مستخرج و مولفه های سه گانه فرهنگ (مأخذ: یافته های پژوهش).

Table 1. Comparison of Interview Questions, Extracted Items, and Triple Components of Culture (Source: Research Findings).

شماره	سوالات مصاحبه	گویه‌های استخراج شده	مولفه نهایی	مابه‌ازای مشاهده‌شده	نمونه نقل‌قول
۱	ویژگی های خاص فضای تاریخی منطقه چیست؟	ارزش زیبایی‌شناسی فضا، هویت مکانی	فرهنگ ملموس	معماری بازار، گذرگاه‌ها، عناصر کالبدی	"این کوچه با طاق‌های آجری و کاربندی‌ها حس تاریخی دارد"
۲	مصالح یا اجزای فیزیکی یادآور فرهنگ بومی کدام است؟	مصالح بومی، عناصر کالبدی اصیل	فرهنگ ملموس	سنگفرش‌ها، چوب درب‌ها، گچبری‌ها	"درب‌های چوبی قدیمی هنوز نقش و نگار فرهنگ ما را نشان می‌دهند"
۳	خاطره یا داستان خاص از فضا دارید؟	خاطرات فردی، ارتباط عاطفی با فضا	فرهنگ معنوی	داستان‌های محلی، خاطرات شخصی	"پدربزرگم هر روز از این کوچه رد می‌شد و داستان‌های بازار را تعریف می‌کرد"

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

شماره	سوالات مصاحبه	گویه‌های استخراج شده	مولفه نهایی	مابه‌ازای مشاهده‌شده	نمونه نقل‌قول
۴	رفتارها و آیین های مشاهده شده چیست؟	آیین‌های بومی، رفتارهای اجتماعی سنتی	فرهنگ رفتاری	مراسم سوگواری، جشنواره‌های سنتی، بازارچه‌ها	"هر سال در روز عید نوروز، همه مغازه‌ها در این بخش بازار جمع می‌شوند"
۵	نقش فضاها در رویدادهای فرهنگی چیست؟	نقش فضا در اجتماعات، کاربرد آیینی فضا	فرهنگ رفتاری	برگزاری مراسم، اجتماعات محلی	"این میدان کوچک محل تجمع مردم برای جشن تیرماه است"
۶	تغییرات اخیر فضاها چه تأثیری داشته است؟	تغییر کالبدی، تغییر رفتار اجتماعی	فرهنگ ملموس/رفتاری	مرمت بخش هایی از بازار، تغییر نحوه استفاده مردم	"با تغییر مسیر عبور، مردم دیگر به همان شکل سنتی در بازار نمی‌گردند"
۷	چه ویژگی هایی باعث حفظ پیوند اجتماعی شده اند؟	شبکه‌های اجتماعی، اتصال فضایی	فرهنگ رفتاری	گذرگاه‌های مشترک، فضای نشستن، بازارچه‌ها	"کافه‌ها و گذرگاه‌های مشترک مردم را به هم نزدیک نگه می‌دارند"
۸	آیا احساس تعلق به این فضاها وجود دارد؟	حس تعلق مکانی، دلبستگی فضایی	فرهنگ رفتاری	خاطرات فردی، حضور مداوم در بازار	"من این بازار را مثل خانه خودم می‌دانم و هر روز سری به آن می‌زنم"
۹	چه چیزهایی مشارکت در حفاظت را افزایش می دهد؟	مشارکت اجتماعی، مسئولیت فرهنگی	فرهنگ رفتاری	همکاری مردم، فعالیت‌های جمعی	"ما با هم یک گروه داریم که برای تمیز کردن بازار جمع می‌شویم"
۱۰	عبور از مسیرها چه حسی درباره هویت ایجاد می کند؟	خاطره جمعی، بازآفرینی هویت	فرهنگ معنوی	مسیرهای تاریخی، کوچه‌ها، گذرگاه‌ها	"هنگامی که از این مسیر می‌روم، حس می‌کنم بخشی از تاریخ شهر هستم"
۱۱	آیا فرهنگ سنتی در تعاملات روزمره زنده است؟	تداوم سنت‌ها، بازتولید رفتارهای فرهنگی	فرهنگ رفتاری	بازارچه‌های سنتی، شیوه تعامل با مشتری	"فروشندگان هنوز کالاها را با همان سلام و احترام قدیم عرضه می‌کنند"
۱۲	در حفظ یا بازآفرینی فضاها چه عناصری باید بمانند؟	حفظ نشانه‌های فرهنگی، نگهداری ساختار تاریخی	فرهنگ ملموس	گچبری‌ها، کاربندی‌ها، سقف‌های سنتی	"اگر سقف‌های چوبی و کاربندی‌ها حفظ شوند، حس تاریخ باقی می‌ماند"
۱۳	چه چیزی باعث شده فضاها ارزشمند بمانند؟	ارزش‌های تاریخی، بار فرهنگی فضاها	فرهنگ ملموس	عناصر معماری، تاریخچه محل	"بازار ما بیش از هزار سال قدمت دارد و هنوز بافت تاریخی آن حفظ شده است"
۱۴	آیا روایت داستان‌ها باعث حفاظت می شود؟ چرا؟	قدرت روایت فرهنگی، تقویت حس جمعی	فرهنگ معنوی	داستان‌ها و نقل قول‌های مردم	"وقتی داستان‌های قدیمی بازار را می‌شنوم، حس می‌کنم باید از آن محافظت کنم"
۱۵	اگر داستانی درباره منطقه روایت شود، چه ویژگی هایی باید در آن باشد؟	ویژگی‌های فرهنگی، رفتارهای اجتماعی اصیل	فرهنگ معنوی	نقل‌قول‌ها، خاطرات، آیین‌ها	"باید شامل سنت‌ها و جشن‌ها و خاطرات نسل گذشته باشد"
۱۶	چه کسانی در حفاظت از فضا نقش دارند؟	نقش مردم محلی، کسبه و سازمان‌ها	فرهنگ رفتاری	همکاری ساکنان، انجمن‌های محلی	"ما با کسبه و ساکنان محله هماهنگ می‌کنیم تا جلو تخریب را بگیریم"
۱۷	چه موانعی برای حفاظت مشاهده می‌کنید؟	کمبود آگاهی، عدم مشارکت	فرهنگ رفتاری	کمبود اطلاع‌رسانی، ناهماهنگی مردم	"برخی مردم اهمیت تاریخ را نمی‌دانند و به راحتی تغییر می‌دهند"
۱۸	رفتارهای روزمره مردم چه تاثیری بر میراث دارند؟	تعاملات اجتماعی، مراقبت روزانه	فرهنگ رفتاری	حضور در بازار، رعایت سنت‌ها	"فروشنده‌ها هنوز رفتار احترام‌آمیز قدیمی را حفظ کرده‌اند"
۱۹	آیین‌های محلی که در بازار برگزار می‌شود کدامند؟	مراسم محلی، جشنواره‌ها، سوگواری‌ها	فرهنگ رفتاری	عید نوروز، محرم، بازارچه‌های هفتگی	"هر سال در روز عاشورا، بازار به مناسبت مراسم عزاداری جمع می‌شود"

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

شماره	سوالات مصاحبه	گویه‌های استخراج شده	مولفه نهایی	مابه‌ازای مشاهده‌شده	نمونه نقل‌قول
۲۰	چه خاطرات جمعی از بازار وجود دارد؟	داستان‌های نسل گذشته، خاطرات محلی	فرهنگ معنوی	روایت‌های ساکنان قدیمی	"یادم هست پدربزرگم داستان هر حجره را برایم تعریف می‌کرد"
۲۱	تغییرات کالبدی چه تاثیری بر تجربه مردم دارد؟	کاهش یا افزایش تعلق مکانی	فرهنگ ملموس	تغییر در ساختار بازار، بازسازی مسیرها	"وقتی سقف‌ها و گذرگاه‌ها تغییر کرده‌اند، حس تعلق کمی کاهش یافته"
۲۲	چه رفتارهایی نشان‌دهنده هویت فرهنگی هستند؟	تعاملات اجتماعی، احترام به سنت‌ها	فرهنگ رفتاری	نحوه خرید، گفتار و آداب، همکاری جمعی	"هنوز مردم با سلام و احترام قدیمی با هم رفتار می‌کنند"
۲۳	کدام عناصر فیزیکی ارزش فرهنگی دارند؟	طاق‌ها، گچبری‌ها، سقف‌ها	فرهنگ ملموس	عناصر معماری تاریخی	"گچبری‌ها و کاشی‌های قدیمی هویت بازار را شکل می‌دهند"
۲۴	چه تغییراتی باعث کاهش مشارکت شده است؟	نابودی نشانه‌های تاریخی، تغییر رفتار	فرهنگ رفتاری/ملموس	مرمت نامناسب، تغییر کاربری فضا	"وقتی حجره‌ها بازسازی می‌شوند، مردم کمتر حس تعلق دارند"
۲۵	چه رفتارهای جمعی موجب پایداری فرهنگی می‌شوند؟	مراسم جمعی، بازارچه‌ها، تعاملات روزمره	فرهنگ رفتاری	حضور در رویدادها، مشارکت اجتماعی	"هفته‌ای یک بار مردم در بازارچه جمع می‌شوند و همکاری می‌کنند"
۲۶	چه نقش داستان‌ها در انتقال ارزش‌هاست؟	تقویت هویت و دلبستگی	فرهنگ معنوی	روایت‌های شفاهی، خاطرات، داستان‌های محلی	"با شنیدن داستان‌های قدیمی، حس تعلق و مسئولیت من بیشتر می‌شود"
۲۷	چه رفتارهایی نشان‌دهنده حفظ سنت‌هاست؟	رعایت آداب، تعامل با مشتری	فرهنگ رفتاری	فروش سنتی، آیین‌های محلی	"هنوز کالاها با احترام قدیمی عرضه می‌شوند"
۲۸	چه عناصر فیزیکی باید برای نسل‌های آینده حفظ شوند؟	ساختار تاریخی، نشانه‌های فرهنگی	فرهنگ ملموس	طاق‌ها، سقف‌ها، گچبری‌ها، مصالح بومی	"اگر سقف‌ها و کاربندی‌ها حفظ شوند، نسل بعد هم تاریخ را لمس می‌کند"

۸. روش کمی تحقیق

طراحی پرسشنامه

بر مبنای یافته‌های کیفی، پرسشنامه‌ای براساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شد که شاخص‌هایی نظیر تعلق مکانی، نگرش به حفاظت، تجربه‌های زیسته و میزان درک ارزش‌های میراث ناملموس را ارزیابی می‌نمود. چنانکه، پرسشنامه میان ۵۰ نفر از ساکنین محدوده و ۱۶ نفر از متخصصان حوزه میراث فرهنگی توزیع گردید.

۸. ۱. تحلیل داده‌های کمی

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. تحلیل‌های آماری شامل موارد زیر بودند:

- تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) برای شناسایی مؤلفه‌های اصلی.
- آزمون پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ (رابطه۱).

رابطه ۱) محاسبه ضریب آلفای کرونباخ

$$\propto = \frac{N}{N-1}\left(1-\frac{\sum_{i=1}^{N}\sigma_i^2}{\sigma_{iT}^2}\right)$$

N =تعداد گویه ها (پرسش ها)

$\sum\sigma_i^2$ =واریانس کل آزمون

σ_T^2 =واریانس هرگونه

- آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرها.

۸. ۲. ارائه الگوی طراحی روایت و انتخاب متن‌های روایی

با هدف انتخاب روایت‌های موثر، از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره TOPSIS استفاده شد. این روش امکان سنجش همبستگی بین متون روایی تولید شده و شاخص‌های فرهنگی–فضایی استخراج شده را فراهم کرد.

ساختار متن‌های روایی بر مبنای مدل «اسم + صفت + فعل» تنظیم گردید که با الهام از ساختارگرایی گریماس و مدل روایی لی جیانگ یانگ و تانگ سوهونگ توسعه یافت (شکل ۱). در این ساختار:

- اسم‌ها نشانگر عناصر مادی فضا بودند.
- صفت‌ها ویژگی‌های تصویرسازی روایی را نشان می‌دادند.
- فعل‌ها معانی کنشی و رفتارهای فرهنگی را منتقل می‌کردند.

گروه‌های سه‌گانه‌ای که از مرحله کیفی به‌دست آمدند، در گام بعدی به گویه‌های سنجش‌پذیر تبدیل شدند. مؤلفه فرهنگ ملموس بر پایه تحلیل مضمون روایت‌ها و توصیف‌های مشارکت‌کنندگان از ویژگی‌های قابل مشاهده فضا، به سه بعد رنگ مصالح، الگوی چیدمان و جنس مصالح تجزیه شد؛ عناصری که جلوه‌های عینی فرهنگ را در کالبد بازار بازنمایی می‌کنند. مؤلفه فرهنگ رفتاری نیز با تمرکز بر الگوهای کارکردی و نحوه استفاده از فضا توسط گروه‌های مختلف، به شاخص‌های نوع کاربری، کاربری فعلی و الگوی رفتاری صورت‌بندی شد که جنبه ادراکی افعال و شیوه زیست روزمره را بازتاب می‌دهد. در نهایت، مؤلفه فرهنگ معنوی از خلال بررسی روایت‌های شفاهی، نشانه‌ها و معانی مستتر در کنش‌های جمعی، به سه بعد روایت فرهنگی، نمادگرایی و باور تفکیک شد که لایه‌های مرتبط با ادراک صفات و ارزش‌های ناملموس را برجسته می‌سازند. این فرایند امکان تبدیل

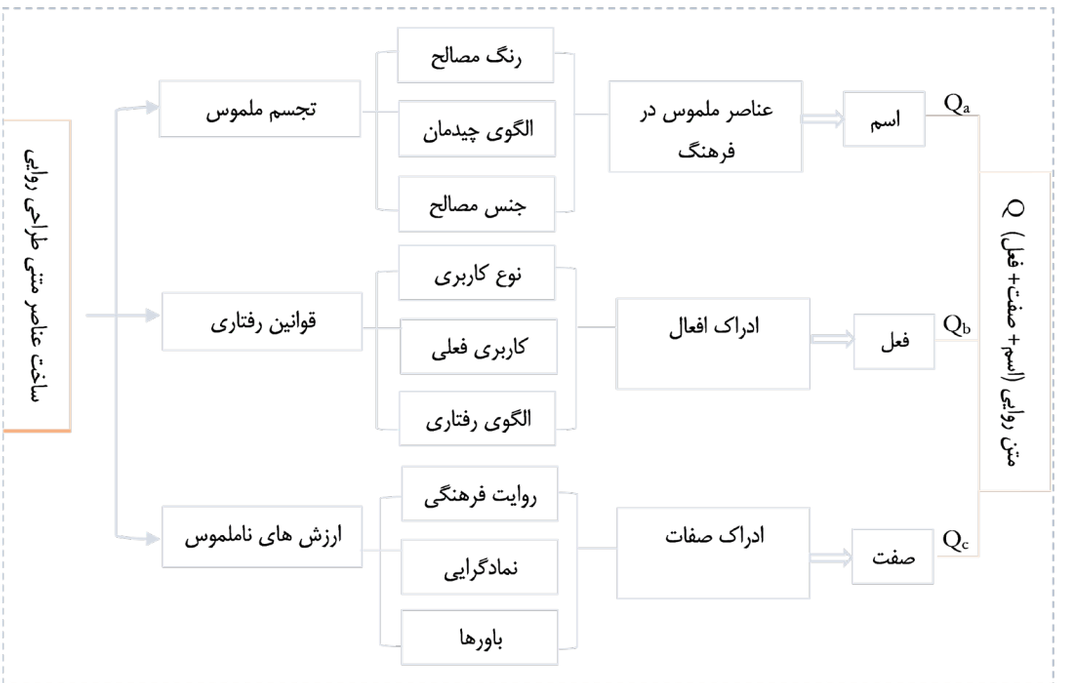
[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]



شکل ۱. فرآیند ساخت متن روایی میراث ناملموس (مأخذ: یافته های پژوهش)
Fig. 1. The Process of Constructing the Narrative Text of the Intangible Heritage (Source: Research Findings)

داده‌های کیفی به گویه‌های کمی و قابل سنجش را فراهم نمود و مبنای طراحی ابزار تحلیل کمی قرار گرفت.

از سوی دیگر، انتزاع مختصرتر در متن روایی توان بازنمایی عناصر فرهنگی را تقویت می‌کند (Long, 2010). بدین صورت براساس رهیافت ساختارگرای گریماس، روایت دارای دو سطح روایی[1] و عمقی است که از خلال ساده‌سازی، امکان تبدیل پیچیدگی‌های فرهنگی به گفتمان‌های قابل فهم را فراهم می‌آورد. مدل کنشگرانه و اسکمای روایی[2] با مشخص‌کردن نقش‌ها[3] و ترتیب کنشی، ساختاری برای تحلیل روایت ارائه می‌دهد (Greimas,1983). در پیوند با این چارچوب، عناصر مادی فضای مطالعه‌شده به‌عنوان «اسم»، رفتارها و کنش‌ها (از آیین‌ها تا تعاملات اجتماعی) به‌عنوان «فعل» و تصویرسازی‌های روایی به‌عنوان «صفت» تعریف شدند. این سه‌گانه درواقع مجموعه‌ای از ملموسات کالبدی، معناهای ادراکی مشتق از فرهنگ ملموس، و رفتارهای اجتماعی مرتبط با فرهنگ رفتاری را دربر می‌گیرد (شکل ۲).



شکل ۲. مراحل ساختار متن روایی از ادراکات کالبد فضایی (مأخذ: یافته های پژوهش)
Fig. 2. Stages of Narrative Text Structure from Spatial Body Perceptions (Source: Research Findings)

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

در پژوهش حاضر، در راستای تحلیل ادراک حسی نسبت به متون طراحی روایت فرهنگی، از ساختار «اسم + صفت + فعل» بهره گرفته شد. عناصر مادی فضای کوچه‌پاساژ (اسم‌ها)، ویژگی‌های تصویری روایت (صفت‌ها) و رفتارهای فرهنگی (فعل‌ها) در قالب سه گروه Qa، Qb و Qc سازماندهی گردیدند. این ساختار با مدل‌های روایی لی جیانگ یانگ و تانگ سوهونگ و نظریه ساختارگرایی گریماس تطبیق دارد. بر این اساس، ماتریس نوآوری روایت‌ها مطابق رابطه ۱ ایجاد شد:

رابطه ۱)

$$Q = Q_{a1}+Q_{b1}+Q_{c1}$$
$$Q_{a1}+Q_{b1}+Q_{c2}$$
$$\ldots\ldots..$$
$$Q_{an}+Q_{bn}+Q_{cn}$$

این ماتریس، پایگاه داده‌ای را در جهت مرحله انتخاب روایت‌های برتر فراهم ساخت. هدف اصلی در این مرحله، پیوند مفهومی بین نمادهای فرهنگی و کالبد فضا با کمک ادراکات احساسی کاربران (از طریق مهندسی کانسی) بود. در ادامه فرآیند، به منظور ارزیابی و انتخاب روایت‌های فرهنگی برتر، از روش تاپسیس استفاده شد. این روش، مبتنی بر مقایسه گزینه‌ها با راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی است.

۸. ۳. مراحل اجرای مدل TOPSIS

۱. تشکیل ماتریس تصمیم (A) شامل ارزیابی متون روایی براساس شاخص‌های منتخب.
۲. نرمال‌سازی ماتریس (B) برای حذف اثر ابعاد ناهمسان شاخص‌ها.
۳. وزن‌دهی و تشکیل ماتریس تصمیم وزنی (Z):

رابطه ۲)

$$Zij = Wi \times Bij$$

۴. محاسبه راه‌حل ایده‌آل مثبت (X+) و منفی (X−):

رابطه ۳)

$$X+ = [\max Z1, \max Z2, \ldots, \max Zn]$$
$$X- = [\min Z1, \min Z2, \ldots, \min Zn]$$

در نهایت، متون روایی با بالاترین مقدار Ci به‌عنوان روایت‌های برتر انتخاب شدند.

۹. مبانی نظری

۹. ۱. خود مردم نگاری

روش خود مردم نگاری از حیث مشاهده و تأمل در فرآیندهای تحقیق و یادگیری «خود» می باشد. به طوریکه، از استراتژی های کیفی و مبتنی بر روایت تا روش های کمی توسط «خود» ارزیابی (Le Roux, 2017) و با احتمالات در بین راهبردهای متعدد، متغیر می باشد (Stahlke Wall, 2016). همچنین با تجربه «خود»، مکانیسم ها و ارزش های نهان، عیان می گردد (Newman & Farren, 2018). به صورتی که، خود مردم‌نگار با پتانسیل کثیری توسط مدل‌سازی «مسیرها» و «عادت‌های» «خود»، درک بهتر «چه کاری انجام شده و چرا انجام شده»، را ارائه می نماید. بنابراین این عمل می تواند به ارزیابی پتانسیل تحول آفرین عقاید پژوهشگر کمک شایانی ارزانی دارد (Babel, Vinck& Karssenberg, 2019). این رویکرد شامل مطالعه سیستماتیک روایت شخصی و پیشینه فرهنگی محقق، از جمله تجزیه و تحلیل خوداندیشی در جنبه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تجارب می باشد (Behar, 2022). بنابراین، بدیهی است که فرهنگ و معنا از نظر اجتماعی ساخته شده اند. خود قوم نگاری ها در تقلای برانگیختن، تجربه کردن، بازتاب و بازنمایی رابطه متقابل بین تجربه فردی و جمعی، خود و فرهنگ را در راستای ایجاد عدالت اجتماعی و سیاست هویت می باشند (Holman Jones, 2007) چنانکه به مفاهیم و ارزش های دانش بومی اتکا می نمایند (Ormiston, 2010).

به اعتقاد دژاردن و بال در طراحی روایات زندگینامه ای (Desjardins & Ball, 2018)، در هنگام دخیل انگاشتن جامعه بومی، اقتدار به عنوان یک تنش شناسایی می شود. در اینصورت، با پرداختن به دغدغه‌های اخلاقی و ماهیت تک آوازی خود مردم نگاری، روش‌های تحقیق اول شخص، مشمول مشارکت و تأکید محققان متعددی بین چندین تجربه زیسته می باشد (Lapadat, 2017). بنابراین، در قوم نگاری دوگانه (Sawyer & Norris, 2015)، قوم نگاری سه گانه (Howell, Desjardins & Fox, 2021) و خود مردم نگاری مشارکتی (Chang, Wambura Ngunjiri & Hernandez, 2016) داده های خود مردم نگاری ادغام شده بسان یک مجموعه تفسیر می شود. با توجه به تعدد محققین درگیر، خود مردم نگاری مشارکتی به سبب ویژگی های نادر نهان در میراث ناملموس روایات زندگینامه ای حائز ارزش می باشد (Schofield, Foster-Smith & Bozoglu, 2018). در این میان، خودمردم‌نگاری به عنوان یک رویکرد بنیادی، چارچوبی برای فهم تجربیات زیسته در ارتباط با فرآیندهای صیانت از میراث ناملموس در حریم بازار تاریخی تبریز فراهم می‌آورد. از این‌رو، بهره‌گیری از خودمردم‌نگاری مشارکتی، امکان تبیین سازوکارهای درونی کنشگران محلی و بازتاب روایت‌های آنان در سیاست‌گذاری‌های حفاظت را میسر می‌سازد.

۹. ۲. مدلول میراث ناملموس عصر معاصر

در ادبیات مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگ، تلقی‌های پیشین از میراث ناملموس اغلب در امتداد سنت‌های قوم‌نگاری و فولکلور[۴] قرار می‌گرفتند؛ سنت‌هایی که میراث را مجموعه‌ای از آیین‌ها و روایت‌های بازمانده از گذشته تلقی می‌کردند و آن را همچون «داده‌ای فرهنگی» قابل ثبت و طبقه‌بندی می‌دیدند. در این رویکردهای اولیه، ICH معمولاً ادامه طبیعی همان الگوهای کلاسیک فولکلور و قوم‌نگاری فرض می‌شد و به‌ویژه تحت تأثیر پارادایم‌های پوزیتیویستی[۵] و دیدگاه‌های ذات‌گرایانه نسبت به فرهنگ تفسیر می‌گردید. همین پیوند تاریخی موجب شده بود که میراث ناملموس به گونه‌ای فهم شود که گویی بازتاب فرهنگ «ثابت»، «سنتی» و «بر جای مانده» است.

از دهه‌های اخیر، این نگاه مورد نقد قرار گرفته است. پژوهشگران به تمایز مشکل‌ساز میان ICH و سایر گونه‌شناسی‌های میراث، مانند قوم‌نگاری یا فولکلور، اشاره کرده‌اند و نشان داده‌اند که نمی‌توان میراث ناملموس را همان امتداد ساده‌ی فولکلور دانست (Bortolotto, 2014). اگرچه میان آنچه امروز ICH نامیده می‌شود و موضوعات سنتی مورد مطالعه قوم‌شناسان همپوشانی وجود دارد، تحلیل‌های معاصر تأکید می‌کنند که مفهوم ICH از بار ایدئولوژیک رویکردهای پوزیتیویستی فاصله گرفته است (Bortolotto, 2010). به همین دلیل، مفهوم فولکلور (که بر مطالعه واقعیت فرهنگی گذشته و کارکرد آن در شکل‌دهی هویت‌های ناسیونالیستی[۶] قرن نوزدهم اروپا استوار بود) دیگر نمی‌تواند معادل میراث ناملموس تلقی شود (Fromm, 2016). نگاه امروز به ICH بر پویایی اجتماعی، فرایندمندی، بازتولید جمعی و نقش فعال جوامع حامل تأکید دارد.

به استناد و تاکید برخی از نویسندگان انتقادی با مواضع گفتمان و چشم انداز رابطه ای میراث، ICH تنها بسط ضروری درک نهادی از میراث، تا به امروز محدود به ادعای ارزش ها ملموس و عینی می باشد (Smith & Campbell, 2018). بنابراین، تعریف ارائه شده توسط یونسکو از ICH، صرف نظر از اعتبار تمایز محسوس یا ناملموس مقوله‌ها در عملیاتی کردن

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

مدیریت میراث، از منظر هستی‌شناختی، برای کل مفهوم میراث توصیه می‌شود. با این حال، دو استدلال متقابل را برای دفاع از نیاز کاربرد ICH به شیوه‌ای متمایز در زمینه آموزش حفاظت از میراث بایستی در نظر داشت. اولاً؛ مدل ارزش‌ها مورد حمایت استیونسون و انطباق فرهنگی و ثانیاً؛ بهبود میراث، مادامی که تمنای کل‌نگری به‌صورت آموزش صیانت از این پدیده‌ها به‌عنوان بخشی از همان سیستم جامع و پیچیده وجود دارد. به‌طوریکه، شناخت و ارزش‌گذاری ICH در همتراز با میراث فرهنگی ملموس، در نتیجه غلبه بر وضعیت نابرابری که معمولاً توسط مربیان و فراگیران به آن اختصاص می‌یابد. بدین معنا، ادراک تحرکات میراث فرهنگی ناملموس در جامعه، راهبردهای آموزشی با هدف فعال‌سازی پیوندها با حفظ این میراث ترویج پیدا خواهد نمود. در این راستا، درک دقیق از مدلول معاصر میراث ناملموس، امکان تحلیل انتقادی تعاملات اجتماعی و بازنمایی فرهنگی در حریم بازار تاریخی تبریز را فراهم می‌آورد. شناخت تحولات مفهومی ICH به مثابه بستری برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و حفاظتی، به این پژوهش یاری می‌رساند تا در طراحی راهبردهای صیانت، هم‌زمان به ارزش‌های بومی و تحولات جهانی توجه شود. بدین ترتیب، این بخش، مبنای نظری در جهت ادراک جایگاه میراث ناملموس در توسعه پایدار حریم میراث جهانی را فراهم می‌آورد.

۹. ۳. روایت شناسی میراث ناملموس

در مطالعه روانشناسی روایی، رفتار روایی را می‌توان بیان و ترسیم یک روانشناسی پیچیده در نظر گرفت (Kohli, 2024). به‌طوریکه افراد، تحت پردازش روانشناختی و دگرگونی داستان قرار می‌گیرند و سپس بیان آن را بر مبنای تجربیات و ادراک خود با سازماندهی مجدد به‌صورت زبانی ارائه می‌نمایند. در این فرآیند در ارتباط بین افراد و محیط، ICH حاکم اساساً به‌عنوان شکلی از متن که حامل اطلاعات رمزگذاری شده و رمزگشایی، به مخاطب در نظر گرفته شود. در روایت شناسی، روایت به روندی اطلاق می‌شود که راوی از منظر خود، طرح و مضامین داستان را در قالب اطلاعات متنی برای مخاطب بازگو می‌نماید (Watson & McMahon, 2015). به‌صورتی که، روایت به‌طور کامل از خلقت مستقل راوی نخواهد بود، بلکه هسته داستان را به‌عنوان یک الگوی روایی استخراج خواهد نمود. این عملکرد، با ساخت متن توصیفی مرتبط با مضمون روایی توسط پژوهشگر شکل می‌گیرد. بدان معنا که وسیله‌ای برای بیان ارزش‌های وراثت و روشی برای حفاظت از آن به‌صورت ملموس و قابل درک می‌باشد (Raven & Elahi, 2015).

در چشم‌انداز ساختار متن روایی، با بیان زبانی عناصر و انتخاب بن‌مایه فرهنگی، ارائه معانی میراث ناملموس با قالب روایی منسجم به کاربران بازتاب می‌یابد (Li, 2023). از آنجا که در فرآیند انتقال داستان فرهنگی، انتخاب و تدوین روایت توسط راوی (طراح) و تفسیر موضوع داستان، توسط شنونده (کاربر) ذهنی می‌باشد، بیان به‌صورت یک طرفه و مغرضانه محتمل خواهد بود. بنابراین در درجه اول بایستی موضوع فرهنگی به‌طور دقیق و پیوسته به طراح منتقل شود. در این‌صورت طراحی روایی با برنامه‌ریزی دقیق، به‌صورت متن روایی خلاقانه‌ای خلق می‌شود و از این طریق ویژگی‌های ناملموس در کالبد را افزوده‌های فرهنگی می‌بخشد. این فرآیند بر رابطه داستانی بین «وارثان فرهنگ–فرهنگ–طراحان–کاربران» تأکید می‌نماید. به‌طوری که در روند این طراحی «روایت» به‌عنوان ابزاری برای تشویق خودمردم‌نگاری مشارکتی در ارتباطات بین فرهنگ و محیط، محتوای فکری صیانت از میراث ناملموس را غنی می‌سازد. از این منظر، روایت‌شناسی میراث ناملموس در این پژوهش، به‌عنوان ابزاری تحلیلی برای تفسیر ساختارهای زبانی و فرهنگی روایت‌های محلی و مشارکتی به‌کار گرفته می‌شود. این رویکرد، با تمرکز بر فرآیندهای بازنمایی و بازآفرینی روایت‌ها، امکان تحلیل سازوکارهای ذهنی و اجتماعی شکل‌دهنده به درک جمعی از میراث را فراهم ساخته و پیوندی اساسی میان خودمردم‌نگاری و سیاستگذاری‌های حفاظتی برقرار می‌سازد.

بر این اساس، چارچوب نظری این پژوهش با تکیه بر سه مؤلفه‌ی بنیادین خودمردم‌نگاری، مدلول معاصر میراث ناملموس و روایت‌شناسی، ساختاری منسجم را به منظور تحلیل تعاملات اجتماعی و فرهنگی در حریم بازار تاریخی تبریز فراهم می‌آورد. این چارچوب، با تمرکز بر بازتاب تجربیات زیسته، تحولات مفهومی میراث و سازوکارهای زبانی و فرهنگی روایت، امکان تبیین عمیق پیوندهای میان کنشگران محلی و سیاست‌های حفاظت از میراث را میسر می‌سازد. بدین ترتیب، مبانی نظری ارائه شده، بنیانی معرفت‌شناختی برای طراحی روش تحقیق و تحلیل داده‌ها فراهم نموده و به استحکام انسجام منطقی اجزای پژوهش یاری رسانده است.

۹. ۴. محدوده مورد مطالعه

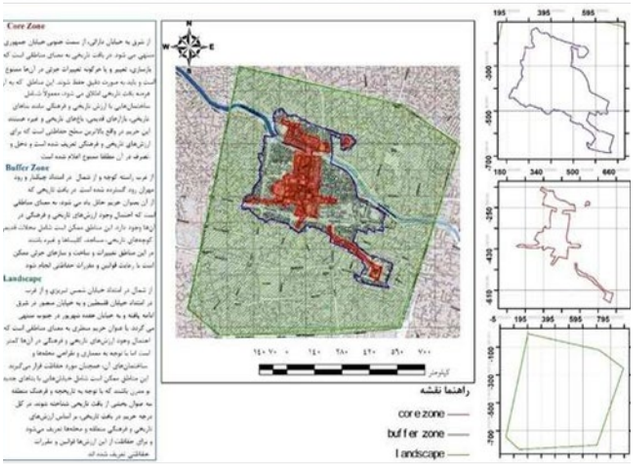
مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز با مساحت غالب بر ۲۷ هکتار، یکی از بزرگ‌ترین و منسجم‌ترین ساختارهای سرپوشیده جهان اسلام است و به دلیل تاریخ و فرهنگ غنی خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مجموعه دارای سه محدوده اصلی تعریف شده توسط یونسکو و سازمان میراث فرهنگی ایران است: عرصه اصلی (Core Zone)، حریم حفاظتی (Buffer Zone) و حریم منظر شهری (Landscape Zone).

- عرصه اصلی: شامل بافت تاریخی و بناهای شاخصی مانند راسته‌ها، سراها، تیمچه‌ها، مساجد، حمام‌ها و بازارچه‌ها است که بازسازی، تغییر یا هرگونه دخل و تصرف در آن‌ها ممنوع است و باید به‌صورت دقیق حفظ شوند. این مناطق بالاترین سطح حفاظتی را دارند و جلوه‌های تاریخی، معماری و فرهنگی بازار را بازنمایی می‌کنند.
- حریم حفاظتی: شامل محلات پیرامونی، کوچه‌ها و فضاهای دارای احتمال وجود ارزش‌های تاریخی و فرهنگی است. در این مناطق تغییرات جزئی با رعایت ضوابط حفاظتی و هماهنگی با ساختار موجود مجاز است و هدف، حفظ پیوندهای فضایی، دیداری و اجتماعی با عرصه اصلی است.
- حریم منظر شهری: مناطقی با احتمال کمتر حضور عناصر میراثی هستند، اما با توجه به طراحی محله‌ها و پیوندهای دیداری و فضایی با بازار، همچنان تحت حفاظت قرار می‌گیرند.

مطالعات یونسکو و طرح‌های مرمتی سازمان میراث فرهنگی نشان می‌دهند که در محدوده (Core Zone) از منظر آماری، طول کلی راسته‌ها، دالان‌ها و تیمچه‌ها بالغ بر ۵۶۷۰ متر برآورد شده و سطح اشغالی در حدود ۲۷۶۰۰ مترمربع را به خود اختصاص داده‌اند. سراها نیز با زیربنایی معادل ۲۳۵۰۰ مترمربع، نقشی بنیادین در ساختار فضایی و سلسله‌مراتب عملکردی بازار ایفا می‌نمایند. در این بافت متراکم تاریخی، بالغ بر ۶۰۰۰ باب دکان پراکنده‌اند و در مجموع، بیش از ۱۶۵ عنصر معماری متمایز شناسایی شده‌است؛ از جمله ۲۶ مسجد، ۲۴ سرا، ۱۶ راسته، ۱۴ دالان، ۲۰ تیمچه، ۵ حمام، یک یخچال و دو پل بازار (پایگاه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز، ۱۳۹۴). پس از زلزله ویرانگر سال ۱۱۹۳ هجری قمری، تبریز بارویی تازه یافت و در جوار دروازه‌های آن، بازارچه‌هایی پدید آمد که نقش مهمی در تأمین نیازهای روزمره مردم محلات ایفا نمودند. این بازارچه‌ها، که به‌عنوان بخشی از ساختار سنتی شهر اسلامی به شمار می‌آمدند، علاوه‌بر محل دادوستد، بناهایی نظیر مسجد، حمام، قهوه‌خانه، زورخانه و کاروانسرا داشتند. برخی از این بازارچه‌ها به بازار اصلی شهر متصل شدند و برخی دیگر به‌صورت منفرد در قلب محله‌ها پابرجا ماندند. چنانکه امروزه نیز، این بازارچه‌ها با

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

نام‌های تاریخی‌شان شناخته می‌شوند و بخشی از زندگی شهری تبریز را تشکیل می‌دهند. با وجود استراتژی‌ها و ضوابط سخت گیرانه، توسعه شهری در حریم بازار، به ویژه پس از زمین‌لرزه سال ۱۱۹۳ هجری قمری، همچنان چالش‌های فراوانی در حفاظت از بافت تاریخی ایجاد کرده است (شکل ۳).



شکل۳. حرایم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز (پایگاه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز، ۱۳۹۴)

Fig. 3. The sanctuaries of the World Heritage Complex of the Tabriz Historical Bazaar (World Heritage Site of Tabriz Historical Bazaar, 2015)

در تمایز با «عرصه» که محدوده‌ی مستقیم و بلافصل اثر تاریخی را شامل می‌شود، «حرایم» بیشتر به حفاظت از ارتباطات فضایی، دیداری، اجتماعی و عملکردی اثر با محیط پیرامونی می‌پردازند و دارای ماهیتی سیال‌تر و پیچیده‌تر است (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲). حریم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز، افزون بر ایفای نقشی بنیادین در پایداری فرهنگی و تقویت تعاملات اجتماعی، نقش مؤثری نیز در حفاظت کالبدی این اثر ارزشمند ایفا می‌کند. در این محدوده، شبکه‌های محلی مبتنی بر اعتماد، مشارکت و تعلق مکانی شکل گرفته‌اند که در طول زمان، سرمایه اجتماعی کنشگران را تقویت کرده‌اند (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۹). حضور نسل‌های متوالی از خانواده‌ها، عملکرد مساجد، حسینیه‌ها، انجمن‌های محلی و پیوندهای اقتصادی و فرهنگی میان ساکنان حریم و بازار، موجب شده این فضا به بستری پویا در جهت بازتولید سرمایه اجتماعی مبدل گردد (طاهونی و طاهونی، ۱۴۰۱). نادیده‌گرفتن نقش فضاهای پیرامونی در سیاست‌های حفاظتی، به گسست شبکه‌های اجتماعی و تضعیف حفاظت مشارکتی می‌انجامد؛ مسئله‌ای که در اسناد مدیریت یکپارچه میراث جهانی نیز به صراحت مورد تأکید و هشدار قرار گرفته است. در همین راستا، با توجه به موقعیت راهبردی بازار طی ادوار متعدد، بخش بزرگی از این میراث در نظام مدیریت شهری معاصر عمدتاً در «منطقه ۸ شهرداری تبریز» با عنوان «منطقه تاریخی–فرهنگی» شناخته می‌شود و حدود ۴۲۱ هکتار از محدوده حریم حفاظت‌شده را شامل می‌شود. این پهنه شهری نزدیک به ۵/۱ درصد از کل مساحت شهر تبریز را دربر می‌گیرد. همچنین، براساس آمار رسمی شهرداری تبریز (۱۳۹۲)، جمعیتی بالغ بر ۲۹۰۰۰ نفر، معادل ۷/۱ درصد از جمعیت شهر، در این محدوده سکونت دارند؛ آماری که نشان‌دهنده تراکم انسانی قابل‌توجه در یکی از ارزشمندترین بافت‌های تاریخی شهر است (شهرداری تبریز، ۱۳۹۲). محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، در«محله و قلعه ارمنستان» قرار دارد که با عنوان «ایچری ارمنستان» نیز شناخته می‌شود و از دیرباز مأمن جامعه ارمنی و جلوه‌گاه فرهنگ و تمدن ایشان بوده است (غوغاسیان، ۱۴۰۳). این محله تاریخی که در میان راسته‌کوچه، لیلاوا، چرنداب و میارمیار گسترده شده بود، از آغاز سده چهاردهم هجری خورشیدی، با ورود جریان‌های نوسازی شهری و احداث خیابان‌هایی چون فردوسی، شریعتی (شهناز شمالی و جنوبی)، محققی (امین سابق) و جمهوری اسلامی، دگرگونی‌هایی ساختاری را تجربه کرد (کارنگ، ۱۳۴۷).

گذر «پاساژ» واقع در چهارراه شریعتی در دوره قاجار احداث شده و در آن زمان علاوه بر وجود چندین کنسولگری در این مسیر، کلیسای کاتولیک با نام کلیسای کاتولیک عذرای مقدس که منسوب به فرانسویان بوده، دارای اولین هتل تبریز با نام «گرند هتل» و اولین سینمای ایران با نام سینما «سولی» بوده است که بخشی از عرصه اصلی و بخشی از حریم حفاظتی بازار تاریخی تبریز را در بر می‌گیرد (شکل ۴).

ابنیه‌های موجود در این محدوده علاوه بر صیانت کالبدی، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و اجتماعی کوچه پاساژ دارند. مرمت و حفاظت این ابنیه‌ها، استمرار تعاملات فرهنگی و اجتماعی ساکنان، بازتولید مناسک و سنت‌های محلی و تقویت حس تعلق مکانی را امکان‌پذیر می‌کند. به این ترتیب، اقدامات حفاظتی علاوه بر حفظ ساختار فیزیکی، به تداوم ارزش‌های معنوی و رفتاری، به‌عنوان بخشی از میراث ناملموس، نیز می‌انجامد و زمینه تحقق حفاظت یکپارچه میراث ناملموس در محدوده را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، تمرکز پژوهش بر تحلیل ادراکات فرهنگی–فضایی این محدوده و تعاملات اجتماعی درون آن است که نقش مهمی در تداوم حیات میراث ناملموس و حفاظت از ارزش‌های فرهنگی کوچه پاساژ ایفا می‌کند.

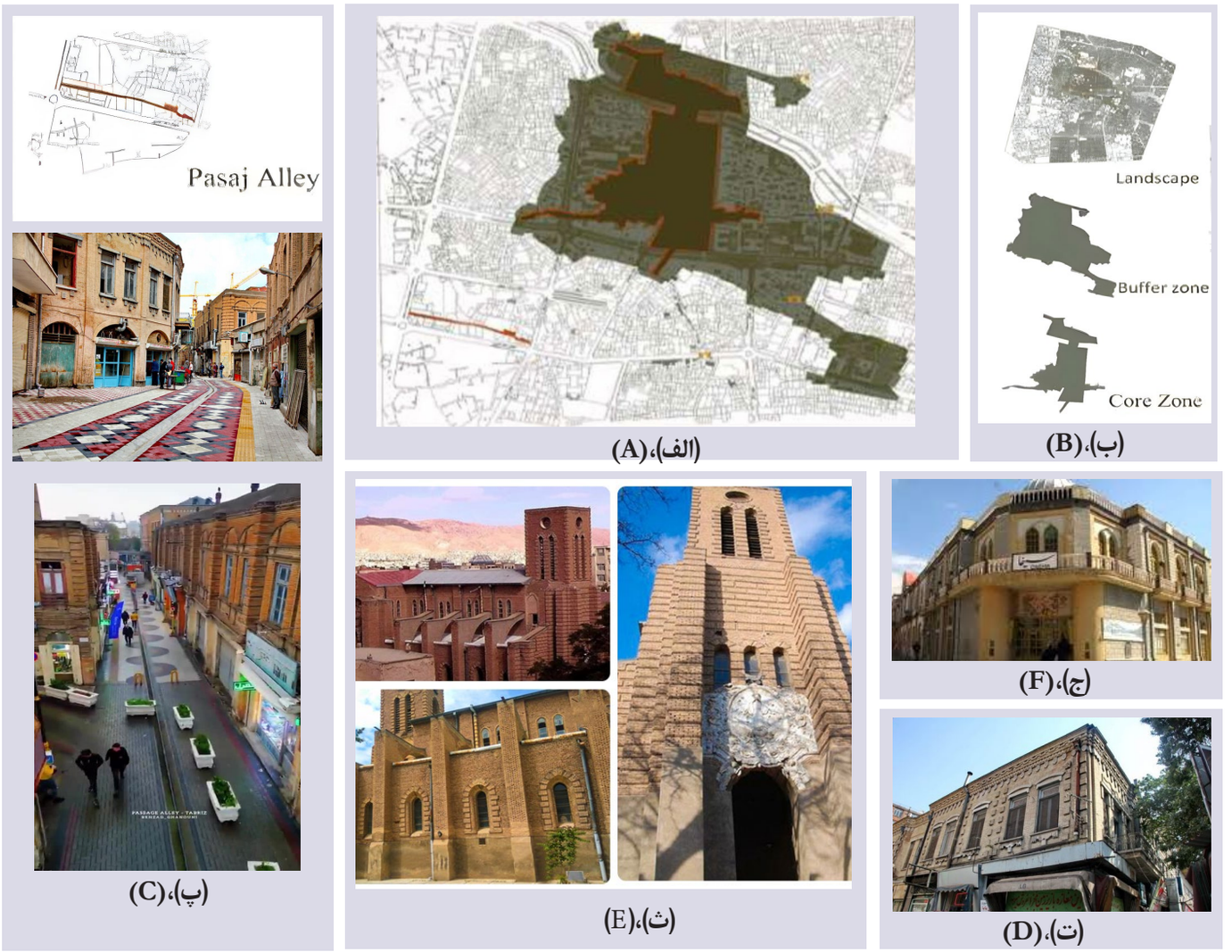
۱۰. یافته ها

۱۰. ۱ یافته‌های کیفی: تحلیل خودمردم‌نگاری

با بهره‌گیری از رویکرد خودمردم‌نگاری، تجربه زیسته پژوهشگر به‌عنوان منبع اصلی داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. حضور میدانی سه‌ماهه و انجام بیش از ۳۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مجموعه‌ای غنی از داده‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم کرد. یافته‌های کیفی از طریق تحلیل مضمون سازماندهی شدند. در مرحله نخست، کدگذاری باز داده‌ها انجام شد و گویه‌های اولیه استخراج گردید. سپس با تحلیل محوری، مضامین اصلی مرتبط با حفاظت از میراث ناملموس شناسایی شدند. در نهایت از طریق کدگذاری گزینشی، مضامین نهایی تعریف و در قالب الگوهای روایی ترکیب شدند (جدول ۲).

در جدول ۲، کدگذاری باز شامل شناسایی واحدهای معنایی اولیه از مشاهدات میدانی، مصاحبه‌ها و ثبت آیین‌ها و تعاملات جمعی بود. در مرحله کدگذاری محوری، این داده‌ها براساس سه مولفه اصلی پژوهش (فرهنگ ملموس، فرهنگ معنوی و فرهنگ رفتاری) طبقه‌بندی شدند تا روابط و شباهت‌های موجود میان داده‌ها مشخص شود و مفاهیم کلیدی شناسایی گردد. در کدگذاری گزینشی، مضامین اصلی هر مولفه پالایش و به‌طور مفهومی ترکیب شدند تا روندهای مؤثر در حفاظت از میراث ناملموس آشکار شوند. نتیجه تحلیل‌های کیفی، استخراج ۳۵ گویه اولیه بود که پس از پالایش و ترکیب تحلیلی، به ۲۸ گویه نهایی کاهش یافت؛ این گویه‌ها مبنای طراحی پرسشنامه پنج‌گزینه‌ای لیکرت برای بخش کمی تحقیق را فراهم نمودند. تحلیل کیفی نشان داد که روایت‌های فرهنگی از طریق بازنمایی خاطرات محلی، آیین‌ها، تعاملات اجتماعی و نمادهای فرهنگی، می‌توانند به‌طور مؤثری حس تعلق مکانی و مشارکت مردمی را در فرآیند حفاظت از میراث ناملموس تقویت کنند.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]



شکل ۴. محدوده مورد مطالعه (الف: موقعیت قرارگیری عرصه و حرایم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز، ب: تفکیک حریم ها، پ: نمای کلی موقعیت قرارگیری کوی پاساژ در حریم، ت: هتل گرند، ث: کلیسای عذری توانا، ج: سینما سولی)، (یافته های پژوهش).

Fig. 4. The area under study (A: the location of the arena and sanctuaries of the World Heritage Complex of Tabriz Historical Bazaar, B: Separation of the Areas, C: Overview of the location of the Pasazh Alley in the Sanctuary, D: Grand Hotel, E: The Church of the Mighty Virgin, F: Sully Cinema) (Source: Research Findings).

جدول ۲: مراحل کدگذاری داده ها و شناسایی مضامین کلیدی در تحلیل کیفی (یافته های پژوهش)

Table 2: Stages of Data Coding and Identification of Key Themes in Qualitative Analysis (Research Findings)

مرحله کدگذاری	کدگذاری باز (توصیف اولیه داده ها)	کدگذاری محوری (شناسایی روابط بین داده ها)	کدگذاری گزینشی (تعریف مضامین نهایی)	مضامین نهایی (مفاهیم و رویکردهای کلیدی)
مرحله اول	مشاهدات میدانی، آیین‌ها و رفتارهای مردم	فرهنگ ملموس: ویژگی‌های فیزیکی، مصالح، ساختار کالبدی	ترکیب داده‌های ملموس	اهمیت عناصر فیزیکی و کالبدی در حفظ هویت فضایی
مرحله دوم	خاطرات محلی و روایت‌های شفاهی	فرهنگ معنوی: داستان‌ها، خاطرات، نمادگرایی	پالایش و نهایی‌سازی داده‌های معنوی	بازنمایی ارزش‌های فرهنگی و حفظ روایت‌های محلی
مرحله سوم	تعاملات اجتماعی و مناسک جمعی	فرهنگ رفتاری: آیین‌ها، تعاملات روزمره، شبکه‌های اجتماعی	تعیین مولفه‌های رفتاری	تقویت مشارکت اجتماعی، حفاظت مشارکتی و تداوم کنش‌های فرهنگی
مرحله چهارم	گویه‌های اولیه از مصاحبه‌ها و مشاهدات	دسته‌بندی گویه‌ها در سه مولفه: ملموس، معنوی، رفتاری	ادغام و تعریف الگوهای روایی	ارائه گویه‌های نهایی برای طراحی پرسشنامه و تحلیل کمی

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

۱۰. ۲. یافته‌های کمی

۱۰. ۲. ۱. توصیف داده‌های کمی

در بخش کمی این پژوهش، داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که براساس یافته‌های مرحله کیفی طراحی شده بود، گردآوری شد. جامعه آماری شامل دو گروه هدف بود:

۱. کاربران و کسبه کوچه‌پاساژ: شامل ۵۰ نفر از افرادی که به‌طور منظم از فضای کوچه‌پاساژ در محدوده خیابان شریعتی تبریز استفاده می‌کنند. این گروه با روش نمونه‌گیری هدفمند غیرتصادفی انتخاب شد تا افرادی که تجربه زیسته واقعی و آشنایی با محیط دارند در پژوهش حضور یابند. این گروه شامل مردان و زنان با سنین و تحصیلات متنوع و عمدتاً بومی منطقه بود. به دلیل هدف پژوهش، تحلیل تفکیکی براساس جنسیت، سن و وضعیت بومی/غیر بومی انجام نشد؛ تمرکز بر استخراج گویه‌ها و ارزیابی کلی ابعاد فرهنگی و حس تعلق مکانی بود.

۲. نخبگان و متخصصان میراث فرهنگی: شامل ۱۶ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه‌های معماری، حفاظت و مرمت ابنیه، طراحی شهری، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی بود که تجربه کاری مرتبط با میراث فرهنگی و گردشگری ایران داشتند. این گروه نیز به صورت هدفمند غیرتصادفی انتخاب شد تا دیدگاه افراد با تجربه در زمینه میراث فرهنگی در تحلیل شاخص‌ها لحاظ گردد.

تمام گویه‌ها در پرسشنامه بر مبنای مقیاس ترتیبی لیکرت پنج‌گزینه‌ای (از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم») سنجیده شدند. در مجموع، ۶۶ پرسشنامه کامل دریافت و در تحلیل داده‌ها لحاظ گردید.

بررسی کفایت داده‌ها برای تحلیل عاملی

پیش از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، کفایت داده‌ها از طریق شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت بررسی شد.

- مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۷۳۵ به دست آمد که نشان‌دهنده کفایت مطلوب داده‌ها برای تحلیل عاملی است (مقدار قابل قبول بالاتر از ۰/۶ می‌باشد).
- آزمون کرویت بارتلت معنادار بود، $(\chi^2=352.697, df=103, p<0.001)$ که دلالت بر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی دارد.

۱۰. ۲. ۲. تحلیل عاملی اکتشافی (EFA)

با استفاده از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی (Principal Component Analysis) و چرخش واریماکس (Varimax Rotation)، تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت. براساس معیار مقدار ویژه (Eigenvalue) بالاتر از یک، در مجموع ۶۶/۴۲% از واریانس کل داده‌ها را تبیین کردند (جدول۳).

جدول ۳. مراحل کدگذاری داده‌ها و شناسایی مضامین کلیدی در تحلیل کیفی (یافته های پژوهش)

Table 3: Stages of Data Coding and Identification of Key Themes in Qualitative Analysis (Research Findings)

عامل	مقدار ویژه (EIGENVALUE)	درصد واریانس تبیین شده (%)
فرهنگ‌معنوی	۴/۳۸۲	۳۸/۲۳
فرهنگ‌ملموس	۲/۰۹۱	۱۸/۲۸
فرهنگ‌رفتاری	۱/۱۲۵	۹/۹۱
مجموع	–	۶۶/۴۲

۲۸ گویه پس از تحلیل کیفی داده‌ها و در چارچوب رویکرد خودمردم‌نگاری استخراج شدند. داده‌های اولیه شامل مشاهدات میدانی رفتارها، آیین‌ها و تعاملات اجتماعی کاربران کوچه پاساژ و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان و کسبه جمع‌آوری گردید. این داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006) مورد پردازش قرار گرفتند و گویه‌های اولیه شناسایی شدند. در مرحله بعد، این گویه‌ها براساس ماهیت و نقش آن ها در بازنمایی فرهنگ محیط، در سه مولفه اصلی دسته‌بندی شدند:

- فرهنگ ملموس: شامل ویژگی‌های فیزیکی فضا، مصالح، الگوهای چیدمان و نشانه‌های کالبدی تاریخی که جلوه‌های عینی فرهنگ را بازنمایی می‌کنند.
- فرهنگ رفتاری: شامل رفتارهای اجتماعی، تعاملات روزمره، آیین‌ها و مناسک جمعی که نحوه زیست فرهنگی کاربران را نمایش می‌دهند.
- فرهنگ معنوی: شامل خاطرات جمعی، روایت‌ها، نمادها و ارزش‌های ناملموس که بازنمایی‌کننده هویت فرهنگی و درک معنایی محیط هستند.

علاوه بر این، یک متغیر مستقل تحت عنوان حس تعلق به مکان لحاظ شد تا نقش ادراک کاربران و میزان تعلق آن ها به فضای مورد مطالعه در ارتباط با سه مؤلفه اصلی مورد سنجش قرار گیرد. سپس گویه ها به عنوان ورودی تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) قرار گرفتند. نتایج تحلیل عاملی با معیارهای کفایت نمونه (KMO = 0/735) و آزمون بارتلت(Sig<0/01) اعتبارسنجی شد. براساس Eigenvalue >1، سه عامل اصلی استخراج گردید که مجموعاً ۶۶/۴۲% از واریانس کل داده‌ها را تبیین کردند و شاخص‌های پایایی (آلفای کرونباخ > ۰/۷۰) نشان‌دهنده انسجام مفهومی و علمی پرسشنامه بودند. این فرآیند تضمین می‌کند که گویه‌ها علاوه بر انتخاب براساس تجربیات زیسته و مشاهدات مستقیم پژوهشگر، به صورت تجربی نیز مؤلفه‌های نظری را پشتیبانی می‌کنند.

۱۰. ۲. ۳. تحلیل رگرسیون خطی چندگانه (Multiple Linear Regression)

به منظور بررسی اثر ابعاد فرهنگی استخراج‌شده بر میزان حس تعلق مکانی کاربران کوچه‌پاساژ، از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. پیش از انجام تحلیل، پیش‌فرض‌های مربوط به نرمال بودن خطاها، عدم وجود چند هم خطی (Multicollinearity) و استقلال خطاها (با آزمون دوربین–واتسون) بررسی گردید.

- مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۵۸۲ به دست آمد، که نشان می‌دهد مدل توانسته است حدود ۵۸/۲ درصد از تغییرات حس تعلق مکانی را تبیین نماید.
- مقدار آماره دوربین–واتسون ۱/۹۷ نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی بین خطاها می‌باشد.
- نتایج آزمون F نیز معنادار شد $(F(3/62) = 28.78, p < 0/001)$ که دلالت بر معنی‌دار بودن کلی مدل رگرسیون دارد (جدول ۴).

جدول۴. ضرایب استاندارد شده (بتا)، (یافته های پژوهش)

Table 4. Standardized coefficients (Beta),(Research Findings)

متغیرمستقل	ضریب بتا (β)	آمار t	سطح معناداری (p)
فرهنگ‌معنوی	۰/۴۸۲	۴/۹۸۲	۰/۰۰۰
فرهنگ‌ملموس	۰/۲۶۷	۲/۹۸۷	۰/۰۰۴
فرهنگ‌رفتاری	۰/۲۱۴	۲/۲۱۵	۰/۰۳۰

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

نتایج نشان می‌دهد که هر سه بعد فرهنگ به‌طور معناداری بر حس تعلق مکانی تأثیرگذارند. در این میان، فرهنگ معنوی بیشترین اثر را بر ایجاد حس تعلق مکانی داشته است.

۱۰. ۲. ۴. تحلیل همبستگی

به منظور بررسی میزان ارتباط و شدت اثر بین ابعاد مختلف فرهنگ و حس تعلق مکانی در کوچه‌پاساژ، ماتریس همبستگی پیرسون محاسبه شد (جدول ۵). این تحلیل به روش آماری Pearson Correlation انجام گرفت تا روابط خطی بین هر جفت متغیر مشخص شود. ضریب همبستگی (r) مقداری عددی بین ۱- و ۱+ است که جهت و شدت رابطه را نشان می‌دهد:

- مقادیر نزدیک به (۱+) نشان‌دهنده همبستگی مثبت قوی.
- مقادیر نزدیک به (۱-) نشان‌دهنده همبستگی منفی قوی.
- مقادیر نزدیک به صفر نشان‌دهنده نبود همبستگی معنادار می‌باشند.

جدول۵. تحلیل ضریب همبستگی پیرسون بر متغیر ها (یافته های پژوهش)
Table 5. Analysis of Pearson Correlation Coefficient on Variables (Research Findings)

متغیر	فرهنگ معنوی	فرهنگ ملموس	فرهنگ رفتاری	حس تعلق مکانی
فرهنگ معنوی	۱	۰/۶۱۲**	۰/۴۸۷**	۰/۶۹۸**
فرهنگ ملموس	۰/۶۱۲**	۱	۰/۵۲۲**	۰/۵۸۴**
فرهنگ رفتاری	۰/۴۸۷**	۰/۵۲۲**	۱	۰/۵۱۳**
حس تعلق مکانی	۰/۶۹۸**	۰/۵۸۴**	۰/۵۱۳**	۱

(** ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است).

نتایج تحلیل نشان دادند که تمامی ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های فرهنگی و حس تعلق مکانی در سطح ۰/۰۱ > α معنادار می باشند، که بیانگر ارتباط مثبت و قابل اتکای بین این ابعاد است. بیشترین همبستگی مثبت بین فرهنگ معنوی و حس تعلق مکانی با مقدار۰/۶۹۸ = r مشاهده شد (شکل ۵)، که نشان‌دهنده اثرگذاری بالای عناصر معنوی فرهنگ (خاطرات جمعی، روایت‌ها و آیین‌ها) در ایجاد تعلق مکانی و انسجام اجتماعی ساکنان است. سایر همبستگی‌های مثبت و معنادار نیز شامل:

- فرهنگ ملموس و حس تعلق مکانی (r = ۰/۵۸۴)
- فرهنگ رفتاری و حس تعلق مکانی (r = ۰/۵۱۳)
- فرهنگ معنوی و فرهنگ ملموس (r = ۰/۶۱۲)
- فرهنگ ملموس و فرهنگ رفتاری (r = ۰/۵۲۲)
- فرهنگ معنوی و فرهنگ رفتاری (r = ۰/۴۸۷)

بود که روابط قابل توجه بین ابعاد ملموس، رفتاری و معنوی فرهنگ و تجربه فضایی کاربران را نشان می‌دهد.

۱۰. ۲. ۴. تحلیل مبتنی بر مهندسی کانسی و ارتباط با خودمردم‌نگاری

جهت بررسی ادراکات فرهنگی و حسی کاربران از محیط تاریخی کوچه‌پاساژ، از روش مهندسی کانسی استفاده شد. مهندسی کانسی روشی سیستماتیک برای تبدیل احساسات، برداشت‌ها و ادراکات ذهنی کاربران به شاخص‌های قابل سنجش و طراحی است (Nagamachi, 1995). در پژوهش حاضر، این روش برای شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تجربه فضایی و ارتباط آن با میراث ناملموس به‌کار گرفته شد. داده‌های مورداستفاده در تحلیل کانسی از پرسشنامه‌ای مشتق‌شده از تحلیل کیفی خودمردم‌نگاری با پرسشنامه هایی توسط دو گروه پاسخ‌دهنده تکمیل شد:

۱- ساکنان و کاربران محلی: برای سنجش تجربه زیسته و ادراک روزمره از فضا

۲- متخصصان حوزه میراث و معماری: برای تأیید و ارزیابی شاخص‌ها و تحلیل سازگاری با اصول حفاظت و طراحی

در این پژوهش، مؤلفه‌های فرهنگ ملموس، فرهنگ رفتاری و فرهنگ معنوی مستخرج از خودمردم‌نگاری، نشان‌دهنده ابعاد کلیدی تجربه فرهنگی و ادراکات کاربران از محیط تاریخی کوچه‌پاساژ می باشند. این مؤلفه‌ها به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل و طراحی راهکارهای حفاظت و باززنده‌سازی فضا عمل می‌کنند و نقش مهمی در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی فضا دارند. داده‌های مورداستفاده در این بخش، در سه بُعد زیر دسته‌بندی شدند:

- فرهنگ ملموس: شامل ویژگی‌های فیزیکی، مصالح، فرم کوچه‌ها و تزئینات معماری که هویت فضایی و کالبدی محیط تاریخی را شکل می‌دهند.
- فرهنگ رفتاری: شامل آیین‌ها، الگوهای استفاده از فضا و تعاملات اجتماعی کاربران که ساختار رفتاری و نحوه تجربه فضا را نمایان می‌کند.
- فرهنگ معنوی: شامل احساس تعلق و معناشناسی مکان که ارزش‌های معنوی و هویت فرهنگی را منتقل می‌کند.

دسته‌بندی مبتنی بر ماهیت فیزیکی، اجتماعی و معنوی محیط انجام شد و مستقیماً از داده‌های تجربی پژوهشگر در کوچه‌پاساژ نشأت گرفته است؛ بنابراین سه مؤلفه فوق دستاورد پژوهش محسوب می‌شوند و مبنای تحلیل کمی و طراحی روایت‌ها می باشند.

هر یک از گویه‌ها، از نظر واژگان و معنای فرهنگی، با مدل «اسم + صفت + فعل» به‌عنوان ساختار روایت تحلیل شد. در این راستا، با توجه به هدف پژوهش، ارائه الگوی طراحی روایت‌ها بر مبنای یافته‌های این بخش و تحلیل مضامین، چهار شاخص اصلی برای ارزیابی روایت‌های طراحی‌شده است خراج گردید. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

۱. بازنمایی فرهنگی: توانایی روایت در نمایش دقیق عناصر فرهنگی و هویت بومی.

۲. بیان هنری: خلاقیت بصری و زیبایی‌شناسی روایت، شامل نحوه استفاده از نمادها، فرم‌ها و جزئیات طراحی.

۳. نوآوری روایی: تازگی، بدیع بودن و خلاقیت در روایت‌پردازی نسبت به سنت‌های موجود.

۴. انطباق با ادراک بومی: همخوانی روایت با ادراکات، نیازها و تجربه‌های زیسته ساکنان منطقه.

چهار شاخص، در کنار گویه‌های کمی طراحی‌شده، مبنای مدل تصمیم‌گیری TOPSIS برای انتخاب روایت‌های مؤثر قرار گرفتند و به‌عنوان معیارهای اصلی در ماتریس تصمیم‌گیری مدل تاپسیس به‌کار رفتند تا روایت‌های طراحی‌شده (R1 تا R4) براساس آن ها ارزیابی و رتبه‌بندی شوند.

۱۰. ۲. ۵. مراحل اجرای TOPSIS

چهار روایت فرهنگی نهایی برای ارزیابی مفروضات مد نظر قرار گرفت (جدول ۶): R1، R2، R3 و R4. معیارهای ارزیابی عبارت بودند از:

- C1 = بازنمایی فرهنگی

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

- C2 = بیان هنری
- C3 = نوآوری روایی
- C4 = انطباق با ادراک بومی

جدول۶ تصمیم‌گیری اولیه (ماتریس A)، (یافته های پژوهش).
Table 6. Initial Decision Making (Matrix A),(Research Findings).

روایت‌ها	C1	C2	C3	C4
R1	۸۰	۷۰	۶۵	۸۸
R2	۸۵	۶۵	۶۰	۹۰
R3	۷۵	۶۸	۶۲	۸۶
R4	۷۸	۷۲	۶۴	۸۵

مرحله اول: نرمال‌سازی ماتریس:
برای هر سلول، مقدار آن تقسیم بر ریشه مجموع مربعات ستون می‌شود.
مثال برای C1:
$\sqrt{(۸۰^2+۸۵^2+۷۵^2+۷۸^2)} = \sqrt{(۶۴۰۰+۷۲۲۵+۵۶۲۵+۶۰۸۴)} =$
$\sqrt{۱۵۹/۰۶} \approx ۲۵۳۳۴$

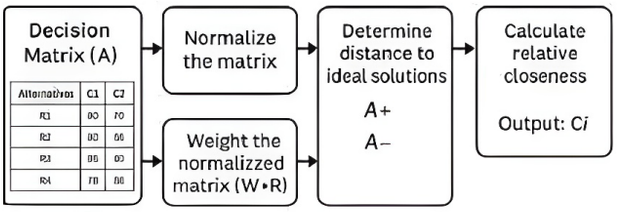
بنابراین، مقدار نرمال‌شده R1 در C1 = ۸۰ / ۱۵۹,۰۶ ≈ ۰/۵۰۳
محاسبات مشابه برای همه سلول‌ها انجام می‌شود و ماتریس نرمال‌شده (R) حاصل می‌شود.

مرحله دوم: وزن‌دهی ماتریس تصمیم (w)
در وزن‌های معیارها به‌صورت زیر:
W= [۰/۳, ۰/۲, ۰/۲,۰/۳]
ضرب ماتریس نرمال‌شده در وزن‌ها، ماتریس W*R را می‌سازد.

مرحله سوم: محاسبه فاصله هر گزینه از راه‌حل ایده‌آل مثبت (A^+) و منفی (A^-) مثلاً:
A^+= بیشترین مقدار در هر ستون
WR=(۰/۱۷۰، ۰/۱۶۰ ، ۰/۰۹۵ ، ۰/۰۸۲)
A- = کم‌ترین مقدار در هر ستون
WR=(۰/۱۴۱ ، ۰/۰۸۷ ، ۰/۰۷۵ ، ۰/۱۶۰)

مرحله چهارم: محاسبه فاصله گزینه‌ها از A+ و A-
مثلاً برای R1:
$D+ = \sqrt{[(۰/۱۵۰-۰/۱۶۰)^2 + (۰/۰۹۰-۰/۰۹۵)^2 + (۰/۰۸۱-۰/۰۸۲)^2 + (۰/۱۶۵-۰/۱۷۰)^2]}$
$D+ \approx \sqrt{(۰/۰۰۰۱+۰/۰۰۰۰۲۵+۰/۰۰۰۰۰۱+۰/۰۰۰۰۲۵)}$
همین روند برای D^- انجام می‌شود.

مرحله پنجم: محاسبه امتیاز نزدیکی به راه‌حل ایده‌آل:
$Ci = D^- / (D^+ + D^-)$
هرچه مقدار Ci به ۱ نزدیک‌تر باشد، گزینه بهتر است. روایتی که بالاترین Ci را دارد (مثلاً R2 با Ci =۰/۸۷) ، به عنوان گزینه بهینه معرفی می‌شود.
این فرآیند، با پیوند مستقیم به داده‌های حاصل از خودمردم‌نگاری (از طریق وزن‌دهی به شاخص‌هایی برگرفته از ادراک مردم و متخصصان) اعتبار یافته است (شکل ۵).



شکل۵ مراحل اجرای مدل تصمیم گیری چندمعیاره TOPSIS در ارزیابی روایت فرهنگی (یافته های پژوهش)
Fig. 5: Steps of Implementing the TOPSIS Multi-Criteria Decision-Making Model in Evaluating Cultural Narrative (Research Findings)

فرآیند پنج‌مرحله‌ای مدل TOPSIS را در ارزیابی و رتبه‌بندی روایت‌های فرهنگی (R1 تا R4) براساس چهار شاخص کلیدی (بازنمایی فرهنگی، بیان هنری، نوآوری روایی، و انطباق با ادراک بومی) نشان می‌دهد. داده‌های ورودی این مدل از گویه‌های استخراج‌شده از بخش کیفی (خودمردم‌نگاری) و نتایج کمی حاصل از نظرسنجی تخصصی به‌دست آمده‌اند.

۱۱. بحث

یافته‌های پژوهش حاضر در امتداد جریان‌های علمی معاصر قرار می‌گیرند و هم‌زمان افق‌های نوینی برای تحلیل میراث ناملموس می‌گشایند. مطالعه‌ای نشان داد که روایت‌های مشارکتی می‌توانند مدیریت میراث را از سطح توصیف صرف به سازوکارهای حکمرانی مشارکتی ارتقا دهند (Zhu & Liu, 2025). پژوهش حاضر با تلفیق خودمردم‌نگاری و تحلیل کانسی، این تحول را در سطح خرد و زیست‌جهان کاربران توسعه می‌دهد؛ روایت‌ها نه تنها بازتاب تجربه محلی، بلکه به شاخص‌های قابل‌سنجش و ابزار تصمیم‌گیری تبدیل شده‌اند، که امکان ورود مستقیم به نظام ارزیابی و رتبه‌بندی را فراهم می‌آورد.

در حوزه تحلیل چندمعیاره، سایر مطالعات کاربرد AHP و TOPSIS را برای اولویت‌بندی راهبردهای میراثی نشان داده‌اند، لیکن تمرکز آن ها عمدتاً بر سیاست‌گذاری کلان و مدیریت در مقیاس گسترده بوده است (Salehipour et al, 2025). پژوهش حاضر با پیوند TOPSIS به داده‌های برگرفته از تجربه زیسته کاربران و ادراکات فرهنگی آن ها، معیارهای تصمیم‌گیری را مستقیماً از زیست‌جهان و رفتار فرهنگی محیط تاریخی استخراج کرده است. بدین ترتیب، مدل ارزیابی نه صرفاً مدیریتی بلکه بازتاب‌دهنده دقت حسی، فرهنگی و اجتماعی فضا است و فاصله میان داده‌های کمی و روایت‌های مردم‌محور را کاهش می‌دهد.

مطالعات ایرانی مرتبط با خودمردم‌نگاری، نیز بر اهمیت تجربه پژوهشگر در فهم میراث ناملموس تأکید دارند. این پژوهش مسیر تجربه را از سطح روایت‌گری به سطح استخراج گویه‌ها و ساخت ماتریس تصمیم‌گیری ارتقا می‌دهد. این انتقال، ایجاد شاخص‌های قابل‌سنجش از تجربه زیسته، نوآوری روش‌شناختی مهمی است که در مطالعات پیشین کمتر دیده شده است (پروین و همکاران، ۱۴۰۴).

در زمینه میراث تاریخی تبریز نیز پژوهش‌های پیشین، تمرکز خود را بر کالبد و مرمت بازار گذاشته‌اند و چارچوبی برای تحلیل روایت‌های مشارکتی یا پیوند آن ها با مدل‌های چندمعیاره ارائه نکرده‌اند (اسمعیلی‌سنگری و پروین، ۱۴۰۳). یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ابعاد فرهنگی (ملموس، رفتاری و معنوی) با حس تعلق مکانی رابطه‌ای ساختاری دارند و این رابطه می‌تواند مبنای طراحی روایت‌های رتبه‌بندی‌شده و تحلیل تصمیم‌گیری باشد. ترکیب تحلیل همبستگی، مهندسی کانسی و TOPSIS، خوانشی

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

هم‌زمان از تجربه زیسته و ابعاد فرهنگی فضا ارائه می‌دهد. مزیت این پژوهش در سه سطح قابل جمع‌بندی است:

۱. روایت فرهنگی از سطح توصیف به سطح تحلیل‌پذیری و قابل‌ارزیابی ارتقا یافته است؛

۲. خودمردم‌نگاری از روش کیفی فردمحور به سازوکار تولید شاخص و ورودی مدل‌های چندمعیاره تبدیل شده است؛

۳. مهندسی کانسی که معمولاً در طراحی صنعتی و تجربه کاربری کاربرد دارد، برای نخستین بار به تحلیل روایت‌های فرهنگی و میراث ناملموس پیوند یافته است.

بدین ترتیب، مدلی ایجاد می‌شود که قابلیت تعمیم در حفاظت مشارکتی میراث ناملموس، طراحی روایت‌های فرهنگی و مدیریت فضاهای تاریخی حساس به ادراک کاربران را دارد و تحلیل میراث را از سطح حفاظت کالبدی صرف به صیانت از تجربه زیسته ارتقا می‌دهد.

۱۲. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به پرسش اصلی «تأثیر طراحی روایت‌های فرهنگی بر ارتقاء مشارکت مردمی به منظور حفاظت از میراث ناملموس به چه میزان است؟» انجام شد و با بهره‌گیری از رویکرد تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) توانست پیوند میان فرهنگ، تجربه زیسته و فضای تاریخی را به شکلی دقیق تحلیل کند. مطالعه کیفی مبتنی بر خودمردم‌نگاری امکان تحلیل تجربیات زیسته پژوهشگر و کاربران فضا، مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته را فراهم آورد. در این فرایند، ۳۵ گویه اولیه استخراج شد که پس از تحلیل مضمون، ۲۸ گویه نهایی در سه بُعد فرهنگ ملموس، فرهنگ رفتاری و فرهنگ معنوی دسته‌بندی گردید. این سه مؤلفه نمایانگر ماهیت فیزیکی، اجتماعی و معنوی فضای تاریخی بوده و مبنای طراحی روایت‌های فرهنگی قرار گرفتند. حضور پژوهشگر در محیط و تعامل مستقیم با کاربران، نقش کلیدی در استخراج دقیق این گویه‌ها و فهم عمیق زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا کرد.

در بخش کمی، تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون خطی چندگانه انجام شد و نشان داد که تمامی ابعاد فرهنگ با حس تعلق به مکان رابطه مثبت و معنادار دارند. به‌ویژه فرهنگ معنوی و رفتارهای اجتماعی بیشترین تأثیر را بر تقویت مشارکت مردمی در حفاظت از فضاهای تاریخی داشتند(r = ۰/۶۹۸). این نتایج نشان می‌دهند که طراحی روایت‌های فرهنگی می‌تواند به‌طور مؤثر حس تعلق به مکان، انتقال هویت فرهنگی و جلب مشارکت فعال مردم را ارتقاء دهد.

با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره TOPSIS، چهار الگوی روایت فرهنگی طراحی‌شده براساس معیارهای بازنمایی فرهنگی، بیان هنری، نوآوری روایی و انطباق با ادراک بومی ارزیابی و رتبه‌بندی شدند. نتایج نشان داد که روایت R2 بیشترین هم‌سویی با ارزش‌ها و ادراکات کاربران را داراست (Ci = ۰/۸۷). این امر تأثیر عملی طراحی روایت‌ها را در راستای تقویت مشارکت مردمی و حفاظت از میراث ناملموس آشکار می‌کند و امکان مقایسه و اولویت‌بندی گزینه‌ها برای برنامه‌ریزی شهری و فرهنگی فراهم می‌آورد.

بر این اساس، پژوهش حاضر الگویی عملی برای طراحی روایت‌های فرهنگی ارائه می‌دهد که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های شهری مبتنی بر مشارکت و اقدامات حفاظتی بافت‌های تاریخی به‌کار گرفته شود. این الگو شکاف میان تحلیل تجربیات مردم، داده‌های کمی و فرآیند تصمیم‌گیری حفاظت از میراث ناملموس را پر می‌کند و امکان برنامه‌ریزی حساس به فرهنگ و ادراکات کاربران را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، مطالعه حاضر علاوه بر هدف گیری حفاظت از بنا و فضای تاریخی، صیانت از تجربه زیسته و مشارکت اجتماعی کاربران را نیز به‌عنوان محور اصلی فرآیند حفاظت تعریف می‌کند.

پی نوشت

[1] Surface syntax
[2] Narrative schema
[3] Roles
[4] Folklore
[5] Positivists
[6] Nationalism

منابع / References

اسمعیلی سنگری، حسین و پروین، راحله (۱۴۰۳). شناسایی اماکن مولد صنعت گردشگری خلاق در کریدور میراث ناملموس با بهره مندی از رویکرد سلسله مراتبی (AHP) مورد مطالعه: مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز. فضای شهری و حیات اجتماعی، ۳(۸)، ۱-۱۸.
10.22034/JPRD.2024.60554.1079

پایگاه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز. (۱۳۹۴). آرشیو اطلاعات فنی بازار تبریز، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

پروین، راحله، اسمعیلی سنگری، حسین و عبداله زاده طرف، اکبر (۱۴۰۴). نقش توسعه صنعت گردشگری در رویکرد حفاظت از میراث ناملموس (مورد پژوهی: خانه موزه های حریم مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای، ۲(۶)، ۱۴۰-۱۲۶

جلیلوند، محمد رضا (۱۴۰۲). مردم نگاری گردشگری: واکاوی گردشگری قومی در ترکمن صحرا. پژوهش های انسان شناسی ایران. ۱۳(۱)، ۱۷۸-۱۶۳.
10.22059/IJAR.2023.365103.459841

شهرداری تبریز. (۱۳۹۲). گزارش آمار جمعیتی منطقه ۸ شهرداری تبریز ۱۳۹۲. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه

طاهونی، مهدیه.، و طاهونی، الهام. (۱۴۰۱). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی پایدار شهری (مطالعه موردی: محلات شمالی بافت تاریخی- فرهنگی شهر تبریز). نشریه فضای شهری و حیات اجتماعی، ۱(۳)، ۵۵-۷۱.
HTTPS://DOI.ORG/10.22034/JPRD.2023.55105.1025

غوغاسیان، وازگن.س. (۱۴۰۳). تاریخ ارامنه ایران در قرن هفدهم. ترجمه‌ی سعید کریم‌پور. انتشارات امیرکبیر.

کارنگ، عبدالعلی. (۱۳۴۷). آثار و ابنیه تاریخی تبریز. چاپ شفق.

مرادی، صدرا، فرجی، فرناز، فدائی نژاد، سمیه. (۱۴۰۲). توسعه ی چارچوب برنامه ریزی حفاظت از محوطه ی میراث جهانی منظر فرهنگی میمند، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی،
DOI:10.61186/CIAUJ.8.2.197 .222-197 ،(2)8

مشکینی، ابوالفضل، پوراحمد، احمد، و حبیبی، کیومرث. (۱۳۸۹). بهسازی و نوسازی بافت های کهن شهری. چاپ دوم. نشر انتخاب.

Alivizatou, M. (2021). *Intangible heritage and participation: Encounters with safeguarding practices.* Routledge. https://doi.org/10.4324/9780429426476.

Anderson, J., Goodall, H., & Trahar, S. (2020). Women in powerful conversation: Collaborative autoethnography and academia. *International Journal of Qualitative Studies in Education, 33*(4), 393-403. https://doi.org/10.1080/09518398.2019.1671632.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

Leschko, G. D. M., & Kortabarria, N. A. (2022). Cultural Heritage and Sustainable Development. *European Cities in the Process of Constructing and Transmitting European Cultural Heritage,* 159. HTTPS://DOI.ORG/10.12797/9788381386708

Li, L. (2023). Cultural communication and diversity along the Grand Canal of China: a case study of folk songs in intangible cultural heritage. *Heritage Science, 11*(1), 66. HTTPS://DOI.ORG/10.1186/S40494-023-00911-W

Long, Y., Huang, Y., & Sun, X. (2010). Combined Effects of Flank and Crater Wear on Cutting Force Modeling in Orthogonal Machining—Part II: Bayesian Approach-Based Model Validation. *Machining science and technology, 14*(1), 24-42. HTTPS://DOI.ORG/10.1080/10910341003677156

Maselli, G., Cucco, P., Nesticò, A., & Ribera, F. (2024). Historical heritage–Multi-Criteria Decision Method (H-MCDM) to prioritize intervention strategies for the adaptive reuse of valuable architectural assets. *MethodsX, 12,* 102487. HTTPS://DOI.ORG/10.1016/J.MEX.2023.102487

Nagamachi, M. (1995). Kansei engineering: a new ergonomic consumer-oriented technology for product development. *International Journal of industrial ergonomics, 15*(1), 3-11. HTTPS://DOI.ORG/10.1016/0169-8141(94)00052-5

Nebot-Gomez de Salazar, N., Chamizo-Nieto, F. J., Conejo-Arrabal, F., & Rosa-Jiménez, C. (2023). Intangible cultural heritage as a tool for urban and social regeneration in neighbourhoods. Participatory process to identify and safeguard ICH in the city of Malaga, Spain. *International Journal of Heritage Studies, 29*(6), 524-546. HTTPS://DOI.ORG/10.1080/13527258.2023.2201821

Newman, E., & Farren, M. (2018). Transforming self-driven learning using action research. *Journal of Work-Applied Management, 10*(1), 4-18. HTTPS://DOI.ORG/10.1108/JWAM-10-2017-0029

Ormiston, N. T. (2010). Re-conceptualizing research: An Indigenous perspective. *First Peoples Child & Family Review, 5*(1), 50-56. HTTPS://DOI.ORG/10.7202/1069061ARCOPIEDAN ERROR

Pinheiro, M. J. D. A., & Almeida, R. D. S. D. (2023). Social participation and territory: possible dialogues for the sustainable management of cultural heritage. *História, Ciências, Saúde-Manguinhos, 30,* e2023070. HTTPS://DOI.ORG/10.1590/S0104-59702023000100070EN

Raven, P. G., & Elahi, S. (2015). The New Narrative: Applying narratology to the shaping of futures outputs. *Futures*, 74, 49-61. HTTPS://DOI.ORG/10.1016/J.FUTURES.2015.09.003

Rey-Pérez, J. (2023). A methodology to identify the heritage attributes and values of a modernist landscape: Roberto Burle Marx's Copacabana beach

Babel, L., Vinck, D., & Karssenberg, D. (2019). Decision-making in model construction: Unveiling habits. *Environmental Modelling & Software*, 120, 104490. https://doi.org/10.1016/j.envsoft.2019.07.015.

Behar, R. (2022). The vulnerable observer: Anthropology that breaks your heart. beacon press.

Bortolotto, C. (2010). Globalising intangible cultural heritage? Between international arenas and local appropriations. In *Heritage and globalisation* (pp. 111-128). Routledge.

Bortolotto, C. (2014). La problemática del patrimonio cultural inmaterial. *Culturas. Revista de gestión cultural, 1*(1), 1-22. https://doi.org/10.4995/cs.2014.3162

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology, 3*(2), 77-101. https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa

Chang, H., Ngunjiri, F., & Hernandez, K. A. C. (2016). *Collaborative autoethnography*. Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315432137.

Desjardins, A., & Ball, A. (2018, June). Revealing tensions in autobiographical design in HCI. In *proceedings of the 2018 designing interactive systems conference* (pp. 753-764). https://doi.org/10.1145/3196709.3196781.

Duan, J., Lan, W., & Jiang, Y. (2022). An evaluation approach to spatial identity in historic urban areas from a humanistic perspective. *Frontiers of Architectural Research, 11*(5), 806-814. https://doi.org/10.1016/j.foar.2021.12.009.

Fromm, A. B. (2016). Ethnographic museums and Intangible Cultural Heritage return to our roots. *Journal of Marine and Island Cultures, 5*(2), 89-94. HTTPS://DOI.ORG/10.1016/J.IMIC.2016.10.001

Greimas, A. J., McDowell, D., Schleifer, R., & Velie, A. (1983). Structural semantics: An attempt at a method. HTTPS://LCCN.LOC.GOV/83005864

Holman Jones, S. (2007). Autoethnography. *The Blackwell encyclopedia of sociology*. HTTPS://DOI.ORG/10.1002/9781405165518.WBEOSA082

Howell, N., Desjardins, A., & Fox, S. (2021). Cracks in the success narrative: Rethinking failure in design research through a retrospective trioethnography. *ACM Transactions on Computer-Human Interaction (TOCHI), 28*(6), 1-31. HTTPS://DOI.ORG/10.1145/3462447.

Kohli, N. (2024). Positive Psychology and Offender Rehabilitation: A Narrative Review. *International Journal of Indian Psychology, 12*(3). HTTPS://DOI.ORG/10.25215/1203.090.

Lapadat, J. C. (2017). Ethics in autoethnography and collaborative autoethnography. *Qualitative inquiry, 23*(8), 589-603. HTTPS://DOI.ORG/10.1177/1077800417704462

Le Roux, C. S. (2017). Exploring rigour in autoethnographic research. *International Journal of Social Research Methodology, 20*(2), 195-207. HTTPS://DOI.ORG/10.1080/13645579.2016.1140965

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

promenade in Rio de Janeiro (Brazil). *Landscape Research, 48*(5), 704-723. HTTPS://DOI.ORG/10.1080/01426397.2023.2181318

Salehipour, M., Kazemi, N., Jokar Arsanjani, J., & Karimi Firozjaei, M. (2025). Developing a Multi-Criteria Decision Model to Unlock Sustainable Heritage Tourism Potential. *Sustainability, 17*(8), 3703. HTTPS://DOI.ORG/10.3390/SU17083703

Sawyer, R., & Norris, J. (2015). Duoethnography: A retrospective 10 years after. *International Review of Qualitative Research, 8*(1), 1-4. HTTPS://DOI.ORG/10.1525/IRQR.2015.8.1.1

Schofield, T., Foster-Smith, D., Bozoğlu, G., & Whitehead, C. (2018). Co-producing collections: Re-imagining a polyvocal past with cultural probes. *Open Library of Humanities, 4*(1).

Smith, L., & Campbell, G. (2017). The tautology of "intangible values" and the misrecognition of intangible cultural heritage. *Heritage & Society,* 10(1), 26-44. HTTPS://DOI.ORG/10.1080/2159032X.2017.1423225

Stahlke Wall, S. (2016). Toward a moderate autoethnography. *International journal of qualitative methods, 15*(1), 1609406916674966. HTTPS://DOI.ORG/10.1177/1609406916674966

Watson, M., & McMahon, M. (2015). From narratives to action and a life design approach.

Zhu, Y., & Liu, J. (2025). Intangible Cultural Heritage as Co Creation: Challenges, Pathways and Conditions. In *Collaboration and Co-Creation in Museums, Heritage, and the Arts* (pp. 276-286). Routledge. 10.4324/9781003222804-25

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

interpretation of lived experience and cultural dimensions. The contributions of this research are threefold: cultural narratives are elevated from descriptive to evaluable tools; autoethnography transforms from a qualitative individual-centered method into an input mechanism for multi-criteria models; and Kansei engineering, typically applied in industrial design and user experience, is applied here for the first time to cultural narratives and intangible heritages.

This integrated model has potential for generalization in participatory heritage conservation, cultural narrative design, and user-sensitive management of historical spaces, advancing heritage analysis from purely physical preservation to safeguarding lived experience.

Conclusion

This study examined the influence of cultural narrative design on community participation in the conservation of intangible heritage, using a mixed-methods approach. The qualitative phase, based on autoethnography, analyzed the researcher's and users' lived experiences through field observations and semi-structured interviews. Thirty-five initial indicators were refined into 28 final items across three dimensions: tangible, behavioral, and spiritual culture, representing physical, social, and symbolic aspects of the historical space.

Quantitative analyses using Pearson correlation, exploratory factor analysis, and multiple regression revealed positive, significant relationships between all cultural dimensions and sense of place, with spiritual culture and social behaviors having the strongest impact ($r = 0.698$). Four cultural narrative models were evaluated using TOPSIS, identifying R2 as most aligned with user perceptions ($Ci = 0.87$).

These findings show that cultural narrative design strengthens place attachment, conveys cultural identity, and promotes active community engagement. The study provides a practical framework for participatory heritage preservation.

Acknowledgments

The authors sincerely thank all participants, including residents, shopkeepers, and heritage experts, for sharing their experiences and insights. We also appreciate the guidance and feedback from colleagues and mentors who supported the conceptualization and execution of this study.

Contribution of Authors

H.E.S. served as the lead and corresponding author, overseeing the study design, methodology, and manuscript preparation. R.P. contributed to fieldwork, data collection, qualitative and quantitative analyses, and manuscript drafting. All authors contributed to the discussion, interpretation of results, and manuscript revisions, and approved the final version.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest regarding this research.

Material and Spiritual Supporters

No financial or institutional support was received for this study. The authors sincerely acknowledge the encouragement and moral support of family, colleagues, and peers, which contributed to the successful completion of this work.

Access to Materials and Data

Data generated or analyzed during this study are available from the corresponding author upon reasonable request.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

continuity (Pinheiro & Almeida, 2023).

Within this broader context, the buffer zone of the Tabriz Historic Bazaar Complex serves as an exceptional case. As a thousand-year-old commercial and social hub, the Bazaar has sustained diverse economic, cultural, and ritual practices that shape local identity and facilitate the transmission of knowledge. Its intangible dimensions form a dynamic cultural ecosystem distinct from other urban areas. The presence of active user groups and a strong cultural foundation also provides a fertile setting for implementing cultural narrative design grounded in participatory and ethnographic approaches.

This study explores how designing cultural narratives can strengthen community participation in safeguarding intangible heritage within Pasazh Alley, a key area of the Bazaar. Using an integrated qualitative–quantitative methodology, the research employed self-ethnographic fieldwork, observations, interviews, and structured questionnaires administered to residents, users, and heritage specialists. Quantitative data were examined using statistical tests including reliability analysis, correlation, and multiple regression, while qualitative insights were analyzed thematically. To evaluate and prioritize narrative-based strategies, the TOPSIS decision-making method and Kansei engineering models were applied. These methods aim to illuminate how cultural narratives can function as operational tools for enhancing place attachment and supporting long-term intangible heritage protection.

Materials and Methods

This study adopts an applied, mixed-methods (qualitative–quantitative) approach. The qualitative phase employed an autoethnographic method, allowing the researcher's lived experience to serve as the primary data source and enabling in-depth analysis of social and cultural interactions within the study environment. Field observations were conducted over three months in the Pasazh Alley area, systematically documenting cultural and social behaviors. More than thirty semi-structured interviews with residents, shopkeepers, and users were conducted to capture local memories, spatial meanings, and conservation attitudes. Rituals, daily interactions, and symbolic practices were also carefully recorded. Data were analyzed thematically through iterative coding, grouping similar codes into initial themes, and refining them into three main components: tangible culture (physical features, local materials, spatial arrangement), spiritual culture (collective memories, narratives, symbols), and behavioral culture (social interactions, rituals, and collective activities).

In the quantitative phase, a Likert-scale questionnaire was developed based on qualitative findings and distributed to 50 residents and 16 heritage experts. Data were analyzed using SPSS, including exploratory factor analysis, Pearson correlation, reliability testing (Cronbach's alpha = 0.88), and multiple linear regression. To select effective cultural narratives, a "noun + adjective + verb" structure was applied, representing material elements, narrative imagery, and cultural actions, respectively. A TOPSIS-based multi-criteria decision-making method was then used to evaluate and rank narrative options by linking cultural symbols, spatial features, and user perceptions. This integrated approach effectively enabled the translation of qualitative insights into measurable indicators, facilitating the assessment of cultural narrative design on community participation and heritage conservation.

Results and Discussion

The findings of this study align with contemporary scholarly debates while opening new avenues for analyzing intangible heritage. Previous research (Zhu & Liu, 2025) demonstrated that participatory narratives can elevate heritage management from mere description to participatory governance mechanisms. This study extends that transformation to the micro-level, focusing on the lived experiences of users through a combination of autoethnography and Kansei analysis. The narratives not only reflect local experiences but are also transformed into measurable indicators and decision-making tools, facilitating direct integration into evaluation and ranking systems.

In the field of multi-criteria analysis, studies have applied AHP and TOPSIS to prioritize heritage strategies, yet their focus has primarily been on macro-level policy and large-scale management. By linking TOPSIS to data derived from users' lived experiences and cultural perceptions (Salehipour et al., 2025), this research extracts decision-making criteria directly from the social and cultural dimensions of the historical environment. Consequently, the evaluation model is not merely managerial; it captures sensory, cultural, and social precision, bridging the gap between quantitative data and community-centered narratives.

Iranian studies on autoethnography (Parvin et al, 2025) emphasize the researcher's experience in understanding intangible heritage. This study advances this pathway from narrative documentation to extracting measurable indicators and constructing decision matrices, offering a methodological innovation scarcely observed in prior research. Previous investigations of Tabriz's historical bazaar (Esmaeili Sangari and Parvin, 2024) focused primarily on physical restoration without integrating participatory narratives or multi-criteria models.

The current findings demonstrate that cultural dimensions (tangible, behavioral, and spiritual) have a structured relationship with users' sense of place, providing a foundation for designing ranked narratives and decision-making analyses. The integration of correlation analysis, Kansei engineering, and TOPSIS offers a simultaneous

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]

Designing Cultural Narratives to Promote Public Participation in the Protection of Intangible Heritage, Case Study: Tabriz Historical Bazaar

Hossein Esmaeili Sangari[1*], Raheleh Parvin[2]

1. Assistant Professor, Research Institute for Historical Buildings and Texture, Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, Tehran, Iran

h.esmaeeli@richt.ir*, ORCID: 0000-0001-8464-9648

2. Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Received: 2025.06.3

Accepted: 2026.01.20

doi: https://10.66224/kcr.8.3.78

Knowledge of Conservation and Restoration

pISSN: 2538-6093 eISSN: 3060-6217

This journal adheres to COPE guidelines. Access to this article is free for all. Any non-commercial use of it is permitted, provided appropriate attribution is given.

Preserving intangible cultural heritage in historic urban spaces requires a nuanced understanding of culture, practices, and meanings, as well as active community engagement. This study examines the impact of designing cultural narratives on public participation in safeguarding intangible heritage within the buffer zone of the Tabriz Historic Bazaar Complex (Pasazh Alley). Using an integrated mixed-methods design, ethnographic self-documentation, field observation, and semi-structured interviews with residents and shopkeepers produced lived-experience data coded into 28 core items. A questionnaire based on these items was distributed to 50 users and 16 experts. Analyses included exploratory factor analysis, reliability testing, Pearson correlation, and multiple regression. Results show significant relationships between cultural components (material, behavioral, spiritual) and place attachment. Designed cultural narratives were evaluated and ranked using the TOPSIS multi-criteria decision method. Findings suggest narrative design grounded in stakeholders' lived experience functions as a practical tool to convey intangible values, strengthen place attachment, and promote active community participation in heritage protection.

Keywords: Intangible Cultural Heritage, Tabriz Historic Bazaar, Cultural Narrative, Community Participation.

Introduction

Cultural heritage forms a central pillar of identity, embodying the social values, meanings, and collective memories embedded within historic urban spaces. Safeguarding this heritage and transmitting it to future generations has long been a priority for culturally rich societies, yet increasing pressures associated with globalization have intensified the vulnerability of heritage assets (Leschko & Kortabarria, 2022). Contemporary heritage discourse, shaped by the modern institutionalization of heritage protection, has traditionally focused on the preservation of monuments and material artifacts (Rey-Pérez, 2023:70), while the social and cultural dimensions of heritage (particularly the intangible aspects rooted in everyday practices) have often received limited attention (Duan, Lan & Jiang, 2022). Effective protection of cultural heritage, however, requires meaningful engagement with local communities and an understanding of the lived experiences that structure cultural

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.78]